

مهاجرت علمای حدیث و فقه از سرزمین طالقان، فاریاب و جوزجان؛

عوامل، سبب‌ها و راه حل‌ها

The migration of scholars of Hadith and Fiqh from the regions of Taleqan, Faryab, and Jowzjan: factors, consequences, and solutions

أسد الله ندیم^۱، شکر الله امیری^۲، زید الله عطیش^۳

DOI: 10.64104/v10.Issue17.n14.2025

چکیده

مهاجرت عالمان حدیث و فقه از سرزمین های طالقان، فاریاب و جوزجان در سده های نخستین اسلامی، پدیده‌های با پیامدهای دوگانه بود که ریشه در عواملی مانند ناامنی سیاسی (حمله ترکان، مغولان و درگیری های قبیله ای)، جاذبه مراکز علمی بزرگی چون بغداد و نیشابور، ضعف زیرساخت ها، و تنش های مذهبی داشت. این مهاجرت ها از سویی به گسترش دانش این مناطق در جهان اسلام انجامید؛ چنانکه نام عالمانی چون ابوالسحاق طالقانی در «سنن النسائی»، محمد بن یوسف فاریابی در صحیح بخاری، و ابراهیم بن یعقوب جوزجانی (پیشگام جرح و تعدیل) در منابع معتبر ثبت شد. اما از سوی دیگر، زادگاه های این دانشمندان، مانند طالقان با افول مدارس محلی، فاریاب با کاهش نقش علمی پس از هجوم مغولان، و جوزجان با تبدیل شدن به منطقه ای حاشیه ای، رونق پیشین خود را از دست دادند.

راهکارهای احیای این میراث، ترکیبی از اقدامات تاریخی و نوین است: احیای مراکز علمی، شبکه سازی بین نوادگان مهاجران و ساکنان کنونی، و همکاری نهادهای بین المللی در کاوش های باستان شناسی. نمونه هایی مانند بازگشت الهیثم بن ایوب به طالقان نشان میدهد که مهاجرت در صورت حفظ تعادل بین «گسترش دانش» و «حفظ هویت محلی»، نه یک شکست، که فرصتی برای پیشرفت است.

^۱ استاد دیپارتمنت تعلیمات اسلامی، پوهنځی شرعیات، پوهنتون سلام شعبه کندز، asadullahnadim10@gmail.com

^۲ استاد دیپارتمنت تعلیمات اسلامی، پوهنځی شرعیات، پوهنتون سلام شعبه کندز، Shukrullah.amiri2109@gmail.com

^۳ استاد دیپارتمنت تعلیمات اسلامی، پوهنځی شرعیات، پوهنتون سلام شعبه کندز، zaidatish5@gmail.com

این تجربه‌ها بر این اصل تأکید دارد که بازسازی هویت علمی این مناطق نیازمند نگاهی یکپارچه به گذشته و آینده، با ترکیب اصلاح نهادهای آموزشی، فناوری‌های نوین، و تفسیر مهاجرت به مثابه «گسترش مسئولانه» دانش است.

واژگان کلیدی: مهاجرت علمای طالقان، فریاب و جوزجان؛ پیامدهای مهاجرت علمی؛ مراکز علمی اسلامی؛ میراث حدیثی و فقهی؛ احیای مراکز علمی محلی؛ محدثان خراسان.

مقدمه

در آینه شکسته تاریخ، سرزمین طالقان، جوزجان و فریاب در گستره خراسان، روزگاری گهواره دانشمندانی بودند که نامشان در تمدن اسلامی جاودانه ماند. این مناطق که امروز کمتر در خاطره‌ها مانده‌اند، نه تنها گذرگاه کاروان‌های جاده ابریشم، که خاستگاه محدثان، فقیهان و عالمانی بودند که دانش را از کرانه‌های جیحون تا ساحل دجله پراکندند. اما گذر زمان، تیغ بیداد و مهاجرت گسترده نخبگان، این سرزمین‌ها را به دیارهای خاموش بدل کرد؛ دیارهای که دیوارهای فرسوده‌شان هنوز روایتِ روزهای شکوه را زمزمه می‌کنند.

طالقان، در قلب خراسان، روزگاری مرکز پرورش ده‌ها عالم برجسته حدیث و فقه بود. نویسنده در این پژوهش، با بررسی منابع معتبر رجال، نام 43 تن از عالمان این منطقه را ثبت کرده و 5 تن را به اندک تفصیل تحلیل نموده است. ذهبی مینویسد: «طالقان گروهی از حافظان و محدثان را پرورش داد که مهاجرت‌شان به شهرها، نوری بر نور بود» (الذهبی، سیر أعلام النبلاء، 2006م).

نام طالقان بر دو شهر تاریخی در جهان اسلام اطلاق می‌شد:

۱. **طالقان خراسان:** شهری در شمال خراسان قدیم، میان مرو الرود و بلخ، که به گفته جغرافی دانانی مانند اصطخری، در دشتی هموار با رودی بزرگ و باغ‌های سرسبز قرار داشت. وسعت این شهر یکسوم بلخ بود و تنها سه فرسخ با آن فاصله داشت. یاقوت حموی طالقان را از باغ‌های پروقوق و نزدیکی آن به کوه‌ها یاد کرده است (الحموی، 1995م).

۲. **طالقان قزوین:** ناحیه‌ای نزدیک قزوین و ابهر با چندین روستا که بیشتر به دلیل موقعیت جغرافیایی – و جایگاه علمی – شناخته می‌شد (السمعانی، 1962م).

فریاب، شهری در شمال افغانستان امروزی، در سده‌های نخستین اسلامی، مرکز علمی و فرهنگی بود. این شهر در متون تاریخی به دلیل باغ‌های سرسبز، شبکه‌های آبیاری پیشرفته و خاک حاصلخیز ستوده شده است (الحموی، 1995م). این شهر همچنین حلقه اتصال فرهنگی بین بلخ و دیگر شهرهای خراسان به شمار میرفت (ابن حوقل، 1938). نویسنده در این پژوهش، ۴۵ تن از عالمان فریاب را برشمرده و 5 تن را عمیقاً بررسی کرده است.

جوزجان، این سرزمین زادگاه دانشمندانی مانند خدیجه جوزجانی (فقیه زنی که روایاتش تا شبه قاره هند گسترش یافت) و ابراهیم بن ایوب (محدیثی که نقد هایش معیارهای جرح و تعدیل را دگرگون کرد) بود. اما از سده‌های نخستین اسلامی تا یورش مغولان، جوزجان شاهد خروج پیوسته عالمانی بود که برخی برای یافتن امنیت، برخی در جستجوی مراکز علمی پرآوازه و برخی زیر فشار تنش‌های مذهبی، کوچیدند. (الحموی، 1995م، صفحه 282/2). نویسنده در این پژوهش، 103 تن از عالمان جوزجان را برشمرده و 5 تن را عمیقاً بررسی کرده است.

مبحث اول: شخصیت های مشهور به گونه اجمال

مطلب اول: شخصیت های مشهور طالقان

بسیاری از محدثان و فقیهان منتسب به طالقان، در کتاب های رجالی و تاریخی با عنوان «طالقانی» ثبت شده اند، که نویسندگان از آنها کسانی را اجمالا نام می برد که آنها هجرت نموده اند، و شخصیت های مشهور علمای طالقان که آنها هجرت نموده اجمالا قرار ذیل می باشد:

- 1- ابراهیم بن إسحاق بن عیسی البنانی، مولا هم، أبو إسحاق الطالقانی (المزی، 1980).
- 2- ابراهیم بن الحجاج وهو ابن فضیل الطالقانی (القزويني، 1987م).
- 3- ابراهیم بن شماس الطالقانی (الحموي، 1995 م، صفحة 114).
- 4- ابراهیم بن مخلص الطالقانی (المزی، 1980، صفحة 197).
- 5- أحمد بن أحمد بن محمد أبو عمر الطالقانی (الخطيب البغدادي، تاريخ بغداد، 2002 م)
- 6- أحمد بن سیار أبو حاتم الطالقانی (الخطيب البغدادي، تلخیص المتشابه في الرسم، 1985 م، صفحة 344)
- 7- أحمد بن محمد بن هشام، الطالقانی أبو نصر (الخطيب البغدادي، تاريخ بغداد، 2002 م، صفحة 371).
- 8- إسحاق بن إسماعيل الطالقانی، أبو يعقوب، (الذهبي، تاريخ الإسلام ووفيات المشاهير والأعلام، 2003 م)
- 9- إسحاق بن المأمون بن إسحاق بن إبراهيم البزاز الطالقانی (الخطيب البغدادي، تاريخ بغداد، 2002 م، صفحة 379)
- 10- إسماعيل بن عدي بن الفضل بن عبيد الله أبو المظفر الأزهری الطالقانی (محيي الدين الحنفي، 1998، صفحة 155)
- 11- أصفح بن علي بن أصفح بن القاسم بن الليث القيسي أبو معاذ الطالقانی (الداري، 1998، صفحة 183)
- 12- خالد بن عبد الجبار الطالقانی أبو المحاسن (محيي الدين الحنفي، 1998، صفحة 229).
- 13- سعيد بن منصور بن شعبة أبو عثمان ويقال الطالقانی ثم البلخي المجاور (الذهبي، تذكرة الحفاظ، 1998م، صفحة 16).
- 14- سعيد بن يعقوب الطالقانی، أبو بكر (المزی، 1980، صفحة 122).
- 15- سميدع نامش منصور بن صبيح الطالقانی (ابن حجر العسقلاني، نزهة الألباب في الألقاب، 1989م، صفحة 375)
- 16- عبد الجليل بن إسماعيل الطالقانی (القزويني، 1987م، صفحة 131)
- 17- عبد الله بن بشر بن عميرة البكري الوائلي الطالقانی (الذهبي، تاريخ الإسلام ووفيات المشاهير والأعلام، 2003 م، صفحة 561).
- 18- عبد الله بن جبلة الطالقانی (ابن جرير الطبري، 1387 هـ، صفحة 67)
- 19- عبد الله بن عمر بن السكن، أبو محمد الطالقانی (الخطيب البغدادي، تاريخ بغداد، 2002 م، صفحة 560)
- 20- عبد الله بن عمر بن سعيد، أبو محمد الطالقانی (الخطيب البغدادي، تاريخ بغداد، 2002 م، صفحة 561)
- 21- علي بن المفضل بن العباس المؤيدي الحنفي أبو الحسن الطالقانی (الخطيب البغدادي، تاريخ بغداد، 2002 م، صفحة 213)

- 22- عمار بن عبد المجيد الطالقاني (الخطيب البغدادي، تاريخ بغداد، 2002 م، صفحة 23)
- 23- عمر بن أحمد بن الليث الطالقاني أبو حفص (السبكي، 1413هـ، صفحة 240)
- 24- عمر بن عبد الرحمن بن جبريل، الشيخ نور الدين الطالقاني، الحنفي (الذهبي، تاريخ الإسلام ووفيات المشاهير والأعلام، 2003 م، صفحة 428).
- 25- عمر بن علي بن الحسين بن أحمد بن محمد بن أبي ذر أبو سعد المحمودي، الطالقاني (الذهبي، تاريخ الإسلام ووفيات المشاهير والأعلام، 2003 م، صفحة 252)
- 26- الفضيل بن عياض بن مسعود بن بشر التميمي أبو علي، الطالقاني الأصل (ابن خلكان، 1994، صفحة 47)
- 27- محمد بن أحمد أبو سعيد الطالقاني (البغوي، 1، 1983 م، صفحة 173)
- 28- محمد بن أحمد بن مهران طالقاني (ابن حجر العسقلاني، لسان الميزان، 1971 م، صفحة 51)
- 29- محمد بن أحمد بن هشام أبو نصر يعرف بالطالقاني (الخطيب البغدادي، تاريخ بغداد، 2002 م، صفحة 244)
- 30- محمد بن القاسم بن مجمع أبو جعفر الطالقاني (ابن حجر العسقلاني، لسان الميزان، 1971 م، صفحة 343)
- 31- محمد بن حفص بن عبد الملك بن عبد الرحمن أبو عبيد الله الطالقاني (الذهبي، ميزان الاعتدال في نقد الرجال، 1963 م، صفحة 526)
- 32- محمد بن صالح ويقال صبح بن يوسف بن عبدوية أبو الحسين أصله من الطالقان (ابن عساكر، 1995 م، صفحة 273)
- 33- محمد بن علي بن أحمد بن محمد الأعيني أبو علي الطالقاني، (السمعاني، الأنساب، 1962 م، صفحة 317)
- 34- محمد بن محمد بن عبد الرحمن أبو عبد الله الطالقاني (الذهبي، تاريخ الإسلام ووفيات المشاهير والأعلام، 2003 م، صفحة 131)
- 35- محمد بن مهاجر الطالقاني (سبط ابن العجمي، 1987، صفحة 250)
- 36- محمد بن هشام بن عيسى بن عبد الرحمن الطالقاني (الخطيب البغدادي، تاريخ بغداد، 2002 م، صفحة 697)
- 37- محمود بن خدّاش الطالقاني، أبو محمد (المزي، 1980، صفحة 298).
- 38- مسعود بن عبد الكريم بن عبد الواحد أبو المفاخر الطالقاني (السمعاني، التحبير في المعجم الكبير، 1975 م، صفحة 307)
- 39- مسلم بن عبد ربه الطالقاني (ابن حجر العسقلاني، لسان الميزان، 1971 م، صفحة 30)
- 40- نافع، مولى عبد الله بن عمر بن الخطاب، قيل أن أصله من الطالقان (المزي، 1980، صفحة 298)
- 41- نصر بن منصور بن محمد أبو الفتح بن أبي المظفر الطالقاني (الذهبي، تاريخ الإسلام ووفيات المشاهير والأعلام، 2003 م، صفحة 176)
- 42- هشام بن سعيد، أبو أحمد البزاز طالقاني الأصل (المزي، 1980، صفحة 209)
- 43- الهيثم بن أيوب، أبو عمران الطالقاني (البغوي ع.، 1988 م، صفحة 71).

مطلب دوم: شخصیت های مشهور فرباب

بسیاری از محدثان و فقیهان منتسب به فرباب، در کتاب های رجال و تاریخی با عنوان «فربابی» ثبت شده اند، که نویسنده از آنها کسانی را اجمالاً نام می برد که آنها هجرت نموده اند، و شخصیت های مشهور علمای فرباب که آنها هجرت نموده اجمالاً قرار ذیل می باشد:

- 1- إبراهیم بن شریک الفربابی (الجرجانی ح.، 1987 م، صفحه 334).
- 2- إبراهیم بن محمد بن یوسف الفربابی (الجرح والتعذیل، 1952 م، صفحه 131/2).
- 3- أَبُو عَمیرَةَ الْفَرَبَابِیُّ (أبو الشیخ الأصبهانی، 1408، صفحه 725/2).
- 4- أحمد بن الحسین الفربابی (السمعانی، 1962 م، صفحه 321/6).
- 5- أَحْمَدُ بْنُ رَجَاءِ بْنِ سَعِيدٍ، أَبُو جَعْفَرٍ الْفَرَبَابِیُّ (العتار، 2004، صفحه 98).
- 6- أحمد بن عبد الله الفربابی (أبو نعيم الأصبهانی، الطب النبوی، 2006 م، صفحه 181).
- 7- أَحْمَدُ بْنُ عَبْدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ الْفَرَبَابِیُّ (الطبرانی س.، 1985، صفحه 78).
- 8- أَحْمَدُ بْنُ يَحْيَى أَبُو حَامِدٍ الْفَرَبَابِیُّ (أبو نعيم الأصبهانی، حلیة الأولیاء وطبقات الأصفیاء، 1974 م، صفحه 370/5).
- 9- إسماعیل ابن أبي خَالِدٍ الْفَرَبَابِیُّ (الخطیب البغدادی أ.، الأسماء المبهمة فی الأنباء المحکمة، 1997 م، صفحه 267 /4).
- 10- جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ الْحَسَنِ الْفَرَبَابِیُّ (ابن عبد البر ی.، 1387 هـ، صفحه 304 /13).
- 11- جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ عَبْدِ الْوَاحِدِ الْفَرَبَابِیُّ (الهروی، 1998 م، صفحه 281 /4).
- 12- الحسن بن مُحَمَّدٍ ابو العَبَّاسِ الْفَرَبَابِیُّ (ابن نقطة، 1410، صفحه 545 /4).
- 13- دَاوُدُ بْنُ مِخْرَاقٍ الْفَرَبَابِیُّ (السَّجِسْتَانِی، 1404، صفحه 190).
- 14- سلم بن قتیبة الشعیری أبو قتیبة الخراسانی الفربابی (الهاشمی، 1982 م، صفحه 330 /2).
- 15- سَهْلُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ الْفَرَبَابِیُّ (أبو العرب، 1984 م، صفحه 353).
- 16- عَاصِمُ بْنُ یُوسُفَ الْفَرَبَابِیُّ (الخرائطی، مساوی الأخلاق ومذمومها، 1993 م، صفحه 185).
- 17- عَبْدُ الرَّحِیمِ بْنُ حَبِیبٍ الْفَرَبَابِیُّ (أبو نعيم الأصبهانی، المسند المستخرج علی صحیح الإمام مسلم، 1996 م، صفحه 73).
- 18- عبد الرَّحْمَنِ بن حبيب الْفَرَبَابِیُّ (ابن عساكر، تاریخ دمشق، 1995 م، صفحه 115 /22).
- 19- عَبْدُ اللَّهِ بْنُ أَيُّوبَ الْفَرَبَابِیُّ (أبو نعيم الأصبهانی، حلیة الأولیاء وطبقات الأصفیاء، 1974 م، صفحه 271 /3).
- 20- عَبْدُ اللَّهِ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ سَعِيدٍ بْنِ أَبِي مَرْيَمَ الْفَرَبَابِیُّ (أبو نعيم الأصبهانی، حلیة الأولیاء وطبقات الأصفیاء، 1974 م، صفحه 120 /7).
- 21- عَبْدُ اللَّهِ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ سَلَمٍ الْفَرَبَابِیُّ (الطبرانی س.، المعجم الأوسط، 1403، صفحه 342 /4).
- 22- عَبْدُ اللَّهِ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ مُسْلِمٍ الْفَرَبَابِیُّ (الطبرانی س.، 1985، صفحه 358).
- 23- عَبْدُ اللَّهِ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ هَارُونَ الْفَرَبَابِیُّ (ابن عبد البر ی.، 1992 م، صفحه 1592 /4).

- 24- عَبْدُ اللَّهِ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ يُوسُفَ الْفَرِيَّابِيِّ (الحاكم النيسابوري، 1990، صفحة 2 / 571).
- 25- عَبْدُ الْوَاحِدِ بْنُ بَكْرِ الْفَرِيَّابِيِّ (القزويني، 1987م، صفحة 172).
- 26- عبيد الله بن محمد الفريابي (ابن جرير الطبري، جامع البيان في تأويل القرآن، 2000 م، صفحة 1 / 26).
- 27- عُبَيْدُ اللَّهِ بْنُ هَارُونَ الْفَرِيَّابِيُّ (الطبراني س.، المعجم الأوسط، 1403، صفحة 4 / 161).
- 28- عُثْمَانُ بْنُ سَعِيدٍ الْفَرِيَّابِيُّ (البيهقي، 2003 م، صفحة 2 / 349).
- 29- عَلِيُّ بْنُ جَعْفَرٍ أَبُو الْحَسَنِ الْفَرِيَّابِيُّ (القضاعي، 1986، صفحة 270).
- 30- عُمَرُ بْنُ رَجَاءٍ أَبُو جَعْفَرٍ الْفَرِيَّابِيُّ (الخطيب البغدادي أ.، تاريخ بغداد، 1417 هـ، صفحة 4 / 378).
- 31- عِمْرَانُ بْنُ مُوسَى الْفَرِيَّابِيِّ (المزي، 1980، صفحة 11 / 202).
- 32- مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ إِسْرَائِيلَ الْفَرِيَّابِيِّ (ابن المقرئ، 1998 م، صفحة 134).
- 33- مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ الْفَرِيَّابِيِّ (ابن عبد البر ي.، 1387 هـ، صفحة 9 / 199).
- 34- مُحَمَّدُ بْنُ الْقَاسِمِ بْنِ حَامِدٍ أَبُو سَعِيدٍ الْفَرِيَّابِيُّ (البيهقي، 2003 م، صفحة 10 / 388).
- 35- مُحَمَّدُ بْنُ تَمِيمٍ الْفَرِيَّابِيُّ (الجرجاني ح.، تاريخ جرجان، 1987 م، صفحة 263).
- 36- مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرٍ أَبُو بَكْرِ الْفَرِيَّابِيُّ (ابن بَطَّة العكبري، 1418 هـ، صفحة 295).
- 37- مُحَمَّدُ بْنُ خَلْفٍ الْفَرِيَّابِيِّ (القزويني، 1987م، صفحة 2 / 461).
- 38- مُحَمَّدُ بْنُ دَاوُدَ الْفَرِيَّابِيِّ (الآجري، 1999 م، صفحة 438).
- 39- محمد بن عقيل أبو سعيد الفريابي (السبكي، 1413 هـ، صفحة 2 / 243).
- 40- مُحَمَّدُ بْنُ مُحَمَّدٍ الْفَرِيَّابِيُّ (الخرائطي، اعتلال القلوب، 2000م، صفحة 2 / 288).
- 41- مُحَمَّدُ بْنُ يُوسُفَ الْفَرِيَّابِيِّ (البخاري، 1400، صفحة 264).
- 42- مُحَمَّدُ بْنُ يُوسُفَ الْفَرِيَّابِيِّ (ابن بَطَّة العكبري، 1418 هـ، صفحة 4 / 156).
- 43- محمود بن خالد الفريابي (الخطابي، 1932 م، صفحة 3 / 149).
- 44- مسلم بن مخراق العبدي الفريابي (ابن جرير الطبري، جامع البيان في تأويل القرآن، 2000 م، صفحة 14 / 487).
- 45- موسى بن أحمد بن عفير أبو عمران الفاريابي (السمعاني، 1962 م، صفحة 10 / 129).

مطلب سوم: شخصیت های مشهور جوزجان

بسیاری از محدثان و فقیهان منتسب به جوزجان، در کتاب های رجال و تاریخی با عنوان «جوزجانی» ثبت شده اند، که نویسندگان از آنها کسانی را اجمالاً نام می برد که آنها هجرت نموده اند، و شخصیت های مشهور علمای جوزجان که آنها هجرت نموده اجمالاً قرار ذیل می باشد:

- 1- ابراهیم بن ایوب جوزجانی (ابن حجر العسقلانی، لسان المیزان، 1971م، صفحة 1 / 36).
- 2- ابراهیم بن بکر بن الزبرقان جوزجانی . (ابن حجر العسقلانی، لسان المیزان، 1971م، صفحة 1 / 40).
- 3- ابراهیم بْنُ هِلَالٍ جوزجانی. (الحاكم النيسابوري، 1990، صفحة 4 / 331).

- 4- إبراهيم بن يعقوب أبو إسحاق السَّعْدِيّ جوزجاني، (الذهبي، تاريخ الإسلام وَوَفَيَاتِ المشاهير وَالْأعلام، 2003 م، صفحة 71/19).
- 5- ابو العلاء جوزجاني، كه استادشان ابومنصور ماتريدي است (محيي الدين الحنفي، 1992، صفحة 261/2).
- 6- ابو بَكْر بن يَعْقُوبَ الْحَافِظُ جوزجاني. (أبو نعيم، الأصبهاني، مسند الإمام أبي حنيفة، 1415، صفحة 248).
- 7- ابو ذر بن ابي رجاء جوزجاني، (السمعاني، 1962 م، صفحة 401/3).
- 8- ابو سعيد بن يونس إبراهيم بن يعقوب بن إسحاق التميمي جوزجاني، كنيه شان أبو إسحاق است، (ابن عساكر، تاريخ دمشق، 1995 م، صفحة 281/7).
- 9- ابو سُليْم جوزجاني، (الزيلي، 1313، صفحة 412/4).
- 10- ابو علي جوزجاني، (الفالوجي، المعجم الصغير لرواة الإمام ابن جرير الطبري، 1405، صفحة 736/2).
- 11- ابو محمد بن عَبْدَ اللَّهِ بن مُحَمَّد بن عَبْدَ اللَّهِ جوزجاني، (الخطيب البغدادي أ.، تاريخ بغداد، 1417 هـ، صفحة 241/2).
- 12- ابو حمزه خراساني جوزجاني زاهد. درگذشت شان در سال ٢٩٠ است، سلمی ذکر کرده و گفته: گمان میکنم كه اصلش جوزجان باشد. (الخطيب البغدادي أ.، تاريخ بغداد، 1417 هـ، صفحة 859/6).
- 13- احمد بن إبراهيم بن أحمد جوزجاني، (ابن فضالة، 2004، صفحة 5).
- 14- أحمد بن إسحاق بن صبح أبو بكر جوزجاني (محيي الدين الحنفي، 1992، صفحة 246/2).
- 15- احمد بن أبي الوُجِيه جوزجاني، (السيوطي، اللآلئ المصنوعة في الأحاديث الموضوعة، 1996، صفحة 393/1).
- 16- احمد بن الجَرَّاح جوزجاني، (الطبراني س.، الدعاء للطبران، 1413، صفحة 496).
- 17- احمد بن حفص السعدي جوزجاني، (الجرجاني ح.، تاريخ جرجان، 1987، صفحة 142).
- 18- احمد بن عثمان بن صبيح التركماني، جوزجاني، در سال 844 وفات شده است، (حاجي خليفة، 1941 م، صفحة 1063/2).
- 19- احمد بن عصمة، أبو المطاع جوزجاني، (السخاوي، 1985، صفحة 200).
- 20- احمد بن عيسى جوزجاني، (ابن حجر العسقلاني، لسان الميزان، 1971 م، صفحة 308/5).
- 21- أَحْمَدُ بنُ عَلِيّ بنِ الْعَلَاءِ، أَبُو عَبْدِ اللَّهِ جَوْزَجَانِيّ، (الذهبي، سير أعلام النبلاء، 2006 م، صفحة 248/15).
- 22- احمد بن مُحَمَّد بنِ عَلِيّ جوزجاني، (النقاش، 2004، صفحة 3).
- 23- احمد بن موسى ابو احمد، از اهل جوزجان است، (ابن حبان البُستي، الثقات، 1973، صفحة 17/8).
- 24- اسحاق بن إسماعيل جوزجاني، (ابن حجر العسقلاني، لسان الميزان، 1971 م، صفحة 352/1).
- 25- تميم بن أبي سَعِيد جوزجاني، (المقدسي م.، المستخرج من الأحاديث المختارة مما لم يخرج البخاري ومسلم في صحيحهما، 2000، صفحة 70/3).
- 26- الحارث جوزجاني، (السلفي، 2004، صفحة 43).

- 27- الحسن بن أبی جعفر أبو علي جوزجانی، ونام أبو جعفر محمد بن یحیی است، در ماه شعبان سال 280 وفات شده اند، (الخطیب البغدادي أ.، 1997، صفحة 677/1).
- 28- حسن بن رشید جوزجانی. (ابن جریر الطبري، تاریخ الطبري (تاریخ الرسل والملوک)، 1387، صفحة 473/5)، و از طبقه نهم وبالاتر از آن است. (الفالوجي، المعجم الصغير لرواة الإمام ابن جریر الطبري، 1405، صفحة 114/1).
- 29- حسن بن علی، ابوعلی جوزجانی (الشاطبي، 1992، صفحة 154/1). از بزرگان مشایخ خراسان بود و آثار مشهوری در علوم اوفاق، ریاضیات، مجاهدات و معارف داشت. (ابن الملتن، 1994، صفحة 333).
- 30- حمد بن مُحَمَّد بن حمدون النیسابُوري، أَبُو منصور جوزجانی (الذهبي، تاریخ الإسلام وَوَفیات المشاهير والأعلام، 2003 م، صفحة 117/27).
- 31- حمدان بن علی جوزجانی، معروف به وراق، که به صلاح و فضل شهرت داشت. (الخطیب البغدادي أ.، تاریخ بغداد، 1417 هـ، صفحة 102/4) نام او محمد بود و در سال ۲۷۲ هجری درگذشت (ابن ماکولا، 1990 م، صفحة 509/2).
- 32- حمدان بن موسی بن الجنید القطراني جوزجانی، از ابراهیم بن موسی القصار روایت نموده، و کنیه شان أبو عبد الرحمن است، (ابن ماکولا، 1990 م، صفحة 509/2).
- 33- حَدِیجَة بنت مُحَمَّد بن أَحْمَد أَبُو رَجَاء الْقَاضِي جوزجانی، (محيي الدين الحنفي، 1992، صفحة 277/2).
- 34- داود بن عبد الرَّحْمَن، أَبُو سُلَيْمَانَ جوزجانی، (ابن مَنْدَه، فتح الباب في الكنى والألقاب، 1996، صفحة 388).
- 35- داود بن سُلَيْمَانَ جوزجانی، (الدارقطني، علل الدارقطني، 1985، صفحة 90/4).
- 36- زکریا بن أحمد بن إسماعيل أبو منصور الخراساني، جوزجانی، (ابن عساكر، تاریخ دمشق، 1995 م، صفحة 56/19).
- 37- زيد بن اسامة بن أبی سليمان جوزجانی، (الأسمري، 2000، صفحة 43).
- 38- سعيد بن مَنْصُور بن شعبة أَبُو عَثْمَانَ الْبَزَّازُ الْخُرَّاسَانِي الْجَوْزْجَانِي، (القرطبي، 1986، صفحة 1087/3).
- 39- سليمان ابن الجهم ابن أبی الجهم الأنصاري الحارثي جوزجانی، (الذهبي، الكاشف في معرفة من له رواية في الكتب الستة، 1992، صفحة 458/1).
- 40- شداد بن احمد ابوعبد الرحمان جوزجانی فقيه، از خویشاوندان ابوالفضل جوزجانی است، او از حسین بن ادريس انصاری هروی، محمد بن معاذ و دیگران حدیث شنید. (السمعاني، 1962 م، صفحة 401/3).
- 41- طاهر بن مُحَمَّد بن إدْرِيس أَبُو مَنْصُور، جوزجانی، (الصريفيني، 1414، صفحة 287).
- 42- عباس بن سندان جوزجانی، از سلمه بن وردان و انس بن مالک حدیثی غیرصحیح درباره ایمان روایت کرده است. (ابن ماکولا، 1990 م، صفحة 375/4).
- 43- عبد الرحمن بن الحسين بن إسحاق الخواتكاني جوزجانی، (الفالوجي، معجم شیوخ الطبري، 2005، صفحة 310).
- 44- عبد الله بن سعيد جوزجانی، (الواسطي، 1406، صفحة 166).
- 45- عبد الله بن عَبْدِ الصَّمَدِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ مُوسَى، أَبُو مُحَمَّدٍ جوزجانی، (البغوي، شرح السنة، 1983 م، صفحة 83/1).

- 46- عبد الله بن مُحَمَّدٍ ، أَبُو مُحَمَّدٍ جَوْزْجَانِي، (ابن الجوزي ع.، العلل المتناهية في الأحاديث الواهية، 1981م، صفحة 16/2)، وابن أبي حاتم مي گوید: از پدرم در باره شان پرسان نمودم، گفت مجهول است (ابن أبي حاتم، 1952 م، صفحة 66/1)، امام ذهبی در تعقیبش گفته: بلکه مشهور است، امام بخاری از او روایت نموده در کتاب ادب المفرد (المزي، 1980، صفحة 363/1).
- 47- عبد الله بن محمود جوزجانی، (ابن حجر العسقلاني، تهذيب التهذيب، 1326هـ، صفحة 46/1).
- 48- عبد الْوَاحِدِ بْنِ عبد الصمد جوزجانی، (البغوي، معالم التنزيل في تفسير القرآن، 1420).
- 49- عبد الواحد بن محمد، أبي عبيدة جوزجانی، که از تصنیفاتش در حکمت، کتاب الشفاء، کتاب النجاة است، (حاجي خليفة، 1941م، صفحة 1929/2).
- 50- عبيد بن هاشم جوزجانی، (قوام السنة إ.، 1993، صفحة 155/1).
- 51- عثمان بن محمد بن عثمان بن إبراهيم ابن عبد الخالق، أبو عمرو، جوزجاني، (الطالبي، 1999م، صفحة 106/1).
- 52- عصام بن الْحُسَيْنِ جوزجانی، (الذهبي، سير أعلام النبلاء، 2006م، صفحة 103/14).
- 53- عصمة بن عثمان أبو محمد، شيخ از أهل جَوْزْجَان است. از أسامة روایت مي کند. و از او أحمد بن سيار روایت نموده است (ابن حبان البُستي، الثقات، 1973، صفحة 519/8).
- 54- علي بن أبي حَامِدِ جوزجانی، (قوام السنة إ.، 1993، صفحة 108).
- 55- علي بن محمد بن عبدالله، ابوالقاسم، جوزجانی، فردی معروف بود. وی از اصحاب أَصَمِّ حديث شنید و در سال ۴۱۰ هجری متولد شد. او در جمادی الثانی سال ۴۹۰ هجری درگذشت. (الصريفيني، 1414، صفحة 427) از جمله استادانش ابوالقاسم عبدالرحمن بن محمد سراج است و شاگردانی مانند عبدالله بن فراوی، منصور بن محمد صاعدی و عایشه بنت صفار از او روایت کرده اند. (الذهبي، تاريخ الإسلام وَوَفَيَاتِ المشاهير والأعلام، 2003 م، صفحة 235/33).
- 56- علي بن محمد بن علي بن الحسن، أبو الحسن جوزجانی، (المقدسي م.، المنتقى من مسموعات مرو، 1995، صفحة 275).
- 57- عِيسَى بْنُ سُلَيْمَانَ بْنِ دِينَارٍ أَبُو طَيْبَةَ دَارْمِي جرجاني، (ابن عدي، 1997م، صفحة 450/6).
- 58- فضل الله بن عُثْمَانَ بْنِ أَحْمَدَ ، أَبُو نَجِيحٍ ، جوزجانی، (المقدسي م.، المستخرج من الأحاديث المختارة مما لم يخرج به البخاري ومسلم في صحيحيهما، 2000، صفحة 77/3).
- 59- فضل بن جعفر بن الفضل بن محمد بن احمد بن ابراهيم ، ابوالعباس، جوزجانی، (ابن منظور، 1984م، صفحة 275/20) از ابوبکر محمد بن علی سلمی حداد در دمشق حديث نقل میکرد. (ابن عساكر، تاريخ دمشق، 1995 م، صفحة 308/48).
- 60- الفضل بن عَبْدِ اللَّهِ جوزجانی، (العقيلي، 1984م، صفحة 227/1).
- 61- الليث بن عبد العزيز جوزجانی، (ابن جرير الطبري، تاريخ الطبري (تاريخ الرسل والملوك)، 1387، صفحة 355/8).
- 62- محمد بن أَحْمَدَ بْنِ الْحَسَنِ، أَبُو بَكْرٍ جوزجانی، (أبو نعيم، الأصبهاني، مسند الإمام أبي حنيفة، 1415، صفحة 256).

- 63- محمد بن أحمد بن يعقوب جوزجاني، قاضي درهرات بود (السقاف، 1433، صفحة 7/6).
- 64- محمد بن أحمد ابن الجراح أبو عبد الرحيم، جوزجاني، (ابن حجر العسقلاني، تقريب التهذيب، 1986، صفحة 466).
- 65- مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ أَبُو رَجَاءَ الْقَاضِي، جوزجاني، (الذهبي، تاريخ الإسلام وَوَفَيَاتِ المشاهير والأعلام، 2003 م، صفحة 249/21).
- 66- محمد بن الازهر، جوزجاني، (ابن حجر العسقلاني، لسان الميزان، 1971م، صفحة 64/5).
- 67- محمد بن إسحاق جوزجاني، (ابن الجوزي ع.، كتاب المسلسلات، 1990، صفحة 45).
- 68- محمد بن الحسين جوزجاني (المقدسي م.، المنتقى من مسموعات مرو، 1995، صفحة 23).
- 69- محمد بن الحبيب بن حمزة بن سُلَيْمَانَ بن الأزهر جوزجاني، (المزي، 1980، صفحة 257/23).
- 70- محمد بن حماد، جوزجاني، (الخطيب البغدادي أ.، تاريخ بغداد، 1417 هـ، صفحة 271/2).
- 71- مُحَمَّدُ بْنُ رَبَاحٍ بْنُ يُونُسَ، أَبُو حَنِيفَةَ، جَوْزَجَانِيٌّ (الدارقطني، سنن الدارقطني، 2004، صفحة 481/4).
- 72- محمد بن المظفر جوزجاني، (الكلاعي، 1990، صفحة 61).
- 73- محمد بن حَفْصِ جوزجاني، (العقيلي، 1984م، صفحة 176/2) مسلمة گفته: ثقة است، و از او عقيلي روايت نموده. (قَطْلُوبَعَا، 2011، صفحة 256/8).
- 74- محمد بن سعدان جوزجاني، (الضَّرَّاب، 2003، صفحة 23).
- 75- مُحَمَّدُ بْنُ سَلَمَةَ، أَبُو عَبْدِ اللَّهِ، جوزجاني، (محيي الدين الحنفي، 1992، صفحة 56/2).
- 76- محمد بن سَهْلٍ جوزجاني، (الخطيب البغدادي أ.، تاريخ بغداد، 1417 هـ، صفحة 574/11).
- 77- محمد بن صالح، أَبُو سُلَيْمَانَ، جوزجاني، (الخطيب البغدادي أ.، تاريخ بغداد، 1417 هـ، صفحة 343/4).
- 78- محمد بن عَبْدِ الْعَزِيزِ جوزجاني، (الخطيب البغدادي أ.، تلخيص المتشابه في الرسم، 1985، صفحة 483/1).
- 79- محمد بن عثمان بن إبراهيم بن عبد الخالق، جوزجاني، (الطالبي، 1999م، صفحة 79/1).
- 80- محمد بن عفان جوزجاني، (الخطيب البغدادي أ.، تاريخ بغداد، 1417 هـ، صفحة 121/9).
- 81- محمد بن علي، ابوجعفر، جوزجاني، (ابن شاهين، 2004، صفحة 78).
- 82- محمد بن عمران بن عصمة جوزجاني، (الخطيب البغدادي أ.، تاريخ بغداد، 1417 هـ، صفحة 445/8).
- 83- محمد بن عصمة بن حمزة أبو المطلاع السعدي، جوزجاني، (ابن عساكر، تاريخ دمشق، 1995 م، صفحة 217/54).
- 84- محمد بن عيسى، أَبُو الْحَارِثِ جوزجاني، (ابن مَنْدَه، فتح الباب في الكنى والألقاب، 1996، صفحة 252).
- 85- محمد بن مالك، أبو المغيرة، جوزجاني، (السمعاني، 1962 م، صفحة 400/3).
- 86- محمد بن مُحَمَّدِ بْنِ الْأَزْهَرِ جوزجاني، (ابن مَنْدَه، الإيمان، 1406، صفحة 58/1).
- 87- محمد بن محمد بن عبيد الله بن عمر بن زيد جوزجاني، (ابن عساكر، تاريخ دمشق، 1995 م، صفحة 341/24).
- 88- محمد بن مَسْعُودٍ جوزجاني، (الخليلي، 1409، صفحة 774/2).

- 89- محمد بن نعیم السعدی جوزجانی، از معتمر بن سلیمان و عباد بن عباد و عمر بن عبید و کنانة بن جبلة روایت نموده ابو حاتم الرازی از او روایت نموده است. (ابن أبي حاتم، 1952 م، صفحه 109/8).
- 90- محمد بن یزید جوزجانی، (الطبرانی س.، المعجم الأوسط، 1403، صفحه 340/3)، البکری، جوزجانی، (أبو نعیم، الأصبهانی، معرفة الصحابة، 1998، صفحه 595/2).
- 91- محمود بن عبد الله جوزجانی، (محيي الدين الحنفي، 1992، صفحه 414/1).
- 92- مسعود بن یوسف أبو عبد الله الکوسج از جوزجان است، از الفضیل بن عیاض روایت می کند و از او أحمد بن سيار روایت نموده است (ابن حبان البستي، الثقات، 1973، صفحه 191/9).
- 93- مکرم بن عبد الرحمن جوزجانی، (الألباني، 1992، صفحه 77/4).
- 94- مکرم بن عبد الله جوزجانی، (المناوي، 1356، صفحه 48/5).
- 95- منهاج سراج جوزجانی، (النوري، 1423، صفحه 426/27).
- 96- موسی أبو سلیمان، جوزجانی، (ابن أبي حاتم، 1952 م، صفحه 145/8).
- 97- موسی بن أحمد جوزجانی، (الخطيب البغدادي أ.، تاریخ بغداد، 1417 هـ، صفحه 574/11) از جوزجان است (ابن عساکر، تاریخ دمشق، 1995 م، صفحه 318/61).
- 98- نوح بن هشام، أبا عصمة جوزجانی، (الخطيب البغدادي أ.، الجامع لأخلاق الراوي وآداب السامع، 1990، صفحه 200/2).
- 99- هارون بن أحمد جوزجانی، (ابن منده، معرفة الصحابة، 2005، صفحه 404).
- 100- الوليد بن فلاس جوزجانی، (ابن عساکر، تاریخ دمشق، 1995 م، صفحه 45/49).
- 101- یزید بن زید جوزجانی، از عتبة بن عبد المازنی حدیث را روایت می کند و از او محمد بن زیاد روایت می نماید (الحسيني، 1990، صفحه 472).
- 102- یعقوب بن إبراهيم جوزجانی، شیخ امام طبري است، و این نام مقلوب است، وصحيح إبراهيم بن يعقوب، جوزجانی، است (الفالوجي، المعجم الصغير لرواة الإمام ابن جرير الطبري، 1990، صفحه 660/2).
- 103- یوسف بن یعقوب، جوزجانی، (العراقي، 1995 م، صفحه 211).

مبحث دوم: مهاجرت های علمای حدیث وفقه

مطلب اول: مهاجرت های علمای حدیث وفقه از سرزمین طالقان

چنانکه در مبحث اول گذاشت که بسیاری از محدثان و فقیهان منتسب به طالقان، در کتاب های رجال و تاریخی با عنوان «طالقانی» ثبت شده اند، که نویسندگان از آنها 43 علماء و فقهاء اجمالاً نام برده و تنها 5 تن علماء و فقهاء به اندک تفصیل پرداخته که آنها قرار ذیل می باشد:

1- إبراهيم بن إسحاق بن عيسى البناني، أبو إسحاق طالقاني

ابوإسحاق إبراهيم بن اسحاق بن عيسى البناني الطالقاني، از محدثان برجسته قرن دوم و سوم هجری است که به دلیل

وثاقت و نقشش در نقل احادیث، جایگاه ویژه‌ای در تاریخ حدیث دارد. انتساب او به طالقان خراسان، نشاندهنده نقش این منطقه در پرورش علمای بزرگ است. او در بغداد اقامت داشت و سپس به مرو (یکی از شهرهای مهم خراسان) نقل مکان کرد. و در سال ۲۱۵ هجری قمری در مرو درگذشت. احادیث او در کتابهای معتبری مانند «سنن الترمذی» و «سنن أبی داود» ثبت شده است. (المزی، ۱۹۸۰، صفحه ۲/ص ۳۹).

2- ابراهیم بن مخلد طالقانی

ابراهیم بن مخلد طالقانی، از محدثان و راویان مورد اعتماد سده‌های دوم و سوم هجری است که نام او در منابع معتبر رجال‌شناسی و حدیثی ثبت شده است. نقش او به عنوان حلقه واسطه در اسناد احادیث و ارتباطش با چهره‌های برجسته علمی، جایگاه ویژه‌اش را در تاریخ حدیث نشان می‌دهد. و نسبت «طالقانی» به منطقه طالقان خراسان (شمال شرق افغانستان کنونی) اشاره دارد که خاستگاه خانوادگی اوست. طالقان در قرون دوم و سوم هجری، کانون پرورش محدثان بزرگی بود که ابراهیم بن مخلد یکی از آنها به شمار می‌رود. (المزی، ۱۹۸۰، صفحه ۲، ص ۱۹۶).

3- محمود بن خدّاش طالقانی

محمود بن خدّاش طالقانی، با کنیه ابومحمد، از چهره‌های برجسته علم حدیث و فقه در سده‌های دوم و سوم هجری است. زندگی او نمادی از مهاجرت دانشمندان از مناطق دورافتاده خراسان به مراکز علمی بزرگ مانند بغداد است و نقش او در انتقال دانش اسلامی شایسته بررسی است. وی در سال ۱۶۰ هجری در طالقان (منطقه‌ای تاریخی در خراسان بزرگ، واقع در شمال شرقی افغانستان کنونی) به دنیا آمد. نسبت «طالقانی» نشاندهنده پیوند او با این منطقه است که خاستگاه بسیاری از محدثان بود. او به بغداد مهاجرت کرد و تا پایان عمر در این شهر ساکن شد. بغداد در آن دوران به دلیل وجود مدارس، کتابخانه‌ها و محافل علمی، کانون جذب دانشمندان از سراسر جهان اسلام بود. و ابن حبان سال وفات شان ۲۵۰ هجری را ذکر کرده است. (ابن حبان البُستی، الثقات، ۱۹۷۳، صفحه ۴۹۰).

4- احمد بن محمد بن هشام ابونصر طالقانی

احمد بن محمد بن هشام، معروف به ابو نصر طالقانی، از محدثان و فقهای برجسته سده سوم و چهارم هجری است. وی از شاگردان ابو نشیط محمد بن هارون حربی روایت نقل کرده و راویانی همچون علی بن عمر سَکری از او روایت نموده‌اند. در برخی منابع نام وی به اشتباه «محمد بن احمد بن هشام» ذکر شده است. ابونصر طالقانی در ذی الحجه سال ۳۱۳ هجری قمری درگذشت.

ابونصر طالقانی از طریق سند متصل، حدیثی از پیامبر اکرم (صلی الله علیه وسلم) نقل میکند که با سند احمد بن محمد بن هشام در منابعی مانند تاریخ بغداد اثر خطیب بغدادی ثبت شده است (الخطیب البغدادی، ۱۴۱۷ هـ، صفحه ۳۶۰).

5 - الهیثم بن ایوب ابو عمران طالقانی

الهیثم بن ایوب السملی، ملقب به ابو عمران طالقانی، از محدثان برجسته قرن سوم هجری است که در گسترش حدیث و فقه در خراسان و فراسوی آن نقش مهمی ایفا کرد. الهیثم از مشایخ بزرگ زمان خود روایت کرده است، از جمله: ابراهیم بن

سعد الزهری (از راویان مشهور مدینه)، یحیی بن أبی زائده (محدث کوفه)، عبدالعزیز الدراوردی (از علمای مدینه)، فضیل بن عیاض (عارف و محدث نامدار خراسان)، یزید بن هارون (امام حدیث در بصره)، معتمر بن سلیمان (راوی برجسته بصره) و غیره (الذهبی، تاریخ الإسلام ووفیات المشاهیر والأعلام، 2003 م، صفحه 444). الهیثم بن ایوب در طالقان درگذشت. این نشان میدهد که او احتمالاً پس از سفرهای علمی برای فراگیری حدیث، به زادگاهش بازگشته است. به گفته موسی بن هارون، او از «مردان بزرگوار و برجسته» بود (ابن حجر العسقلانی، تهذیب التهذیب، 1326 هـ، صفحه 342).

مطلب دوم: مهاجرت های علمی حدیث و فقه از سرزمین فریاب

چنانکه در مبحث اول گذاشت که بسیاری از محدثان و فقیهان منتسب به فریاب، در کتاب های رجال و تاریخی با عنوان «فریابی» ثبت شده اند، که نویسنده از آنها 45 علماء و فقهاء اجمالاً نام برده و تنها 5 تن علماء و فقهاء به اندک تفصیل پرداخته که آنها قرار ذیل می باشد:

1- ابراهیم بن محمد بن یوسف فریابی

ابراهیم بن محمد بن یوسف بن سرج فریابی، کنیه اش ابواسحاق، در نیمه دوم سده سوم هجری در فریاب زاده شد. نسب او به خاندان «بنی سرج» میرسد که در منابعی مانند «الأنساب» از آنان به عنوان خاندانی اهل علم یاد شده است. وی به دلیل مهاجرت به بیت المقدس، به «فریابی نزیل بیت المقدس» شهرت یافت (السمعانی، 1962 م، صفحه 234). او از شاگردان ضمره بن ربیع (محدث شامی) و ولید بن مسلم (راوی پرآوازه دمشق) بود و خود استادانی چون ابن ماجه (صاحب السنن) و أبو زرعة الرازی را پرورش داد. امام مزی او را «صدوق» و از راویان مورد اعتماد میدانند (المزی، 1980، صفحه 2/191).

2- أحمد بن رجاء فریابی

أحمد بن رجاء بن سعید فریابی، کنیه اش أبو جعفر، منسوب به فریاب است. و در جمادی الثانی سال ۲۶۵ هجری قمری وفات شد. أحمد فریابی از راویان سده سوم هجری است که به بغداد مهاجرت کرد و در آنجا ساکن شد. او از محدثانی مانند محمد بن عمر الواقدی (تاریخنگار مشهور) روایت نقل میکرد و شاگردانی چون محمد بن مخلد الدوری را پرورش داد. (السمعانی، 1962 م، صفحه 9/290) «هیچ یک از شما در حالی که غذا حاضر است یا نیاز به قضای حاجت دارد، نماز نخواند».

3- إسماعیل بن أبی خالد فریابی

إسماعیل بن أبی خالد فریابی، کنیه اش أبو عبدالله، منسوب به فریاب است، و وفات وی در سال ۱۳۲ هجری قمری (به روایتی دیگر ۱۴۶ هجری) بود. إسماعیل فریابی از محدثان نیمه اول سده دوم هجری است که در فریاب زاده شد و سپس به کوفه مهاجرت کرد. و به دلیل حافظه قوی و تسلط بر روایات، به «شارب العلم» (علم را مانند آب نوشید) شهرت یافت. وی از آخرین کسانی بود که شش تن از صحابه پیامبر (ص) مانند انس بن مالک و أبو جحیفه را درک کرد. (النسائی، 1396 هـ).

4- داوود بن مخراق فریابی

داوود بن مخراق فریابی (با نام کامل داوود بن محمد بن مخراق)، منسوب به فریاب است، و وفات وی در سال ۲۳۹

هجری قمری (به روایت برخی منابع) یا پس از سال ۲۴۰ هجری (به نقل ابن حبان) می‌باشد. داوود فاریابی از محدثان سده سوم هجری است که در فاریاب زاده شد و سپس به مراکز علمی بزرگی مانند کوفه و بغداد مهاجرت کرد. او از شاگردان برجسته جریر بن عبدالحمید (محدث کوفی) و سفیان بن عیینه (فقیه مکه) بود و شاگردانی چون إسحاق بن ابراهیم البستی (قاضی مشهور) و جعفر فاریابی (محدث نامدار) را پرورش داد. (ابو زرعة الرازي، 1420).

5- عبدالله بن محمد بن سلم فاریابی

عبدالله بن محمد بن سلم بن حبیب فاریابی، کنیه اش أبو محمد، منسوب به فاریاب و ساکن بیت المقدس می‌باشد، و وفات‌شان بین سالهای ۳۱۱ تا ۳۲۰ هجری قمری بوده. عبدالله فاریابی از محدثان سده سوم و چهارم هجری بود که در فاریاب زاده شد و سپس به بیت المقدس مهاجرت کرد. او از شاگردان برجسته هشام بن عمار (محدث دمشق) و دحیم بن مالک (فقیه شامی) بود و شاگردانی مانند أبو حاتم بن حبان (نویسنده الثقات) و ابن عدی (صاحب الکامل) را پرورش داد. (ابن حبان البُستی، الثقات، 1973، صفحه ص 261).

مطلب سوم: مهاجرت‌های علمای حدیث و فقه از سرزمین جوزجان

چنانکه در مبحث اول گذاشت که بسیاری از محدثان و فقیهان منتسب به جوزجان، در کتاب‌های رجال و تاریخی با عنوان «جوزجانی» ثبت شده‌اند، که نویسنده از آنها 103 علماء و فقهاء اجمالاً نام برده و تنها 10 تن علماء و فقهاء به اندک تفصیل پرداخته که آنها قرار ذیل می‌باشد:

1- ابراهیم بن ایوب جوزجانی

ابراهیم بن ایوب جوزجانی از علمای حدیث در سده سوم هجری بود که در منطقه جوزجان میزیست. او به زهد و عبادت شهرت داشت و گفته میشود «چهل سال بستر نخواست و همواره به تهجد و نیایش مشغول بود». با این حال، برخی محدثان مانند ابوحاتم رازی او را در نقل حدیث ضعیف شمرده‌اند (ابن ابی حاتم، 1952 م).

2- ابراهیم بن یعقوب جوزجانی

ابراهیم بن یعقوب سعدی جوزجانی، ملقب به ابو الاسحاق، از حافظان و محدثان برجسته سده سوم هجری (متوفی ۲۵۹ ق) و اهل جوزجان بود. وی به عنوان یکی از پیشگامان علم «جرح و تعدیل» شناخته میشود و صاحب تألیفات مهمی مانند کتاب الضعفاء و الجرح والتعديل است. او نزد استادانی چون یزید بن هارون، حسین جعفی، و احمد بن حنبل شاگردی کرد و خود راویان بزرگی مانند ابوداود، ترمذی، نسائی، و ابوزرعه رازی از او حدیث نقل کرده‌اند (ابن حجر العسقلانی، تقریب التهذیب، 1986، صفحه 95). جوزجانی بخشی از عمرش را در دمشق، مکه، بصره، و رمله سپری کرد و در نهایت در دمشق درگذشت (الذهبی، تاریخ الإسلام ووفیات المشاهیر والأعلام، 2003 م، صفحه 17/19).

3- احمد بن اسحاق جوزجانی

احمد بن اسحاق بن صبح، ملقب به ابوبکر جوزجانی، از فقها و علمای برجسته حنفی سده سوم هجری و اهل جوزجان بود. او شاگرد مستقیم ابوسلیمان موسی بن سلیمان جوزجانی، از استادان نامدار فقه حنفی، و استاد افرادی مانند ابومنصور ماتریدی (بنیانگذار مکتب ماتریدی) محسوب میشود. جوزجانی به عنوان دانشمندی «جامع بین علم اصول و فروع» شناخته

میشد و در علوم گوناگون دینی به «درجه علیا» رسیده بود (محبی الدین الحنفی، ۱۹۹۲، صفحه ۶۰/۱). از تألیفات مهم او میتوان به کتابهای الفرق والتمییز (در بررسی تفاوت‌های فقهی) و التوبة اشاره کرد (الذهبی، سیر أعلام النبلاء، ۲۰۰۶م، صفحه ۲۴۸/۱۵).

۴- احمد بن علی بن العلاء جوزجانی

احمد بن علی بن العلاء، ملقب به ابوعبدالله جوزجانی (۲۳۵-۳۲۸ قمری)، از محدثان برجسته سده سوم و چهارم هجری و اهل جوزجان بود. او به عنوان فردی «ثقه»، «قدوه»، و «صالح» توصیف شده که در نقل حدیث مورد اعتماد بود. وی نزد استادانی چون احمد بن مقدم عجل و زیاد بن ایوب شاگردی کرد و بعدها در بغداد ساکن شد (الخطیب البغدادي أ.، تاریخ بغداد، ۱۴۱۷ هـ، صفحه ۴۳۰/۲۳). جوزجانی به دلیل روحیه عابدانه و خاشعانه اش شهرت داشت و منابعی مانند ذهبی در سیر أعلام النبلاء از او به عنوان «شیخ صالح» و «بگاء» (بسیار گریه کننده) یاد میکنند (الذهبی، سیر أعلام النبلاء، ۲۰۰۶م، صفحه ۲۴۸/۱۵).

۵- خدیجه بنت محمد جوزجانی

خدیجه بنت محمد بن احمد، پدرش معروف به ابورجاء قاضی الجوزجانی بود، وی از بانوان فقیه و محدثه حنفی در سده چهارم هجری و اهل جوزجان بوده. او نزد پدرش محمد بن احمد ابورجاء (قاضی جوزجان) دانش آموخت و در علوم دینی به ویژه فقه حنفی تبحر یافت. خدیجه به گفته حاکم نیشابوری در تاریخ نیشابور بیش از صد سال عمر کرد و به مهارت در زبان عربی و نگارش شهرت داشت. وی از استادانی چون ابویحیی بزار حدیث شنید و خود راوی روایات شد. او سرانجام در سال ۳۷۲ قمری درگذشته است (محبی الدین الحنفی، ۱۹۹۲، صفحه ۲۷۷/۲).

مبحث سوم: عوامل، پیامدها و راه حل های مهاجرت علمای حدیث وفقه

مطلب اول: عوامل مهاجرت علمای حدیث وفقه

مهاجرت علما از این سه منطقه (طالقان، فریاب و جوزجان)، تحت تأثیر عوامل متعدد سیاسی، اقتصادی، مذهبی و علمی صورت گرفت. در زیر تمامی عوامل را مختصر ذکر می کنم:

۱. ناامنی سیاسی و نظامی ناشی از درگیری های داخلی: درگیری های حکومت های محلی مانند سامانیان و صفاریان در طالقان، امنیت را مختل میکرد. منابع تاریخی اشاره میکنند که این ناآرامی ها باعث مهاجرت گسترده علما به مراکز امنتر مانند بغداد شد. مانند احمد بن محمد بن هشام طالقانی به دلیل جنگ های سامانیان و صفاریان به بغداد مهاجرت کرد.

۲. حملات خارجی: هجوم ترکان به فریاب و مغول ها به جوزجان زیرساخت های علمی و اقتصادی را نابود کرد. منابع قرن هفتم از ویرانی جوزجان به دست مغول ها گزارش میدهند. مانند منهج الدین جوزجانی پس از حمله مغول در سال ۶۱۸ به بامیان و بعداً از کشور فرار کرد.

۳. شورش های محلی: قیام ابن مقنع در طالقان (قرن دوم هجری) و شورش های خوارج در فریاب، جو بی ثباتی ایجاد کرد. مانند شورش های قرن سوم هجری در طالقان، ابراهیم بن مخلد را به همکاری با عباسیان واداشت. تاریخ طبری، جلد ۵، صفحه ۴۳۲.

۴. **ضعف اقتصادی و کمبود موقوفات:** مناطق کوهستانی طالقان به دلیل نبود موقوفات (اموال وقفی)، امکان حمایت از مدارس را نداشتند. منابع قرن چهارم هجری از فقر در این مناطق خبر می‌دهند. مانند محمد بن محمد طالقانی به دلیل نبود منابع مالی به دمشق مهاجرت کرد.
۵. **فقر ناشی از جنگ‌ها:** جنگ‌های طولانی در جوزجان اقتصاد محلی را نابود کرد. منابع تاریخی از قحطی در قرن چهارم هجری در فاریاب یاد میکنند. مانند محمد بن مالک جوزجانی به دلیل فقر به هرات و بغداد رفت.
۶. **نبود مراکز بررسی اسناد حدیث:** فاریاب فاقد نهادهای تخصصی برای بررسی احادیث بود، در حالی که مراکزی مانند بغداد و کوفه دارای دارالحدیث بودند. مانند مسلم فاریابی برای بررسی روایاتش به کوفه مهاجرت کرد.
۷. **تنش‌های مذهبی بین مذاهب:** اختلافات حنفیان و شافعیان در جوزجان فضای علمی را متشنج میکرد. منابع محلی از درگیری‌های فرقه‌ای در قرن پنجم هجری گزارش می‌دهند. مانند ابوعبدالرحیم جوزجانی به دلیل اختلاف با حنفیان به نیشابور رفت.
۸. **اتهامات انحرافی مذهبی:** برخی علما به دلیل گرایش‌های صوفیانه یا همکاری با خوارج متهم میشدند. منابع قرن سوم هجری از تعقیب مذهبی در کوفه خبر می‌دهند. مانند اسحاق بن اسماعیل طالقانی به دلیل اتهامات به بغداد گریخت.
۹. **فشارهای سیاسی حاکمان محلی:** طاهریان در طالقان و سامانیان در فاریاب، علما را به همکاری مجبور میکردند. منابع تاریخی از سیاست‌های سرکوبگرانه طاهریان یاد میکنند. مانند ابراهیم بن مخلد طالقانی تحت فشار طاهریان به عباسیان پیوست.
۱۰. **جذابیت مراکز علمی بزرگ:** بغداد با دارا بودن «بیت الحکمه» و کتابخانه‌های غنی، جاذبه اصلی بود. منابع قرن سوم هجری از رونق علمی بغداد سخن می‌گویند. مانند محمود بن خدّاش طالقانی برای تحصیل در بیت الحکمه به بغداد رفت. تاریخ بغداد، خطیب بغدادی، جلد ۱، صفحه ۴۵.
۱۱. **وجود کتابخانه‌های معتبر:** کتابخانه‌های بغداد و نیشابور منابع نادر را گردآوری میکردند. منابع قرن چهارم هجری از کتابخانه‌های نیشابور یاد میکنند. مانند احمد بن احمد طالقانی در کتابخانه‌های بغداد تحقیق کرد.
۱۲. **دسترسی به اساتید نامدار:** استادانی مانند سفیان ثوری در کوفه و دارقطنی در بغداد، شاگردان را جذب میکردند. منابع حدیثی از حضور طلاب خراسانی در حلقه‌های درسی کوفه خبر می‌دهند. مانند الهیثم بن ایوب طالقانی نزد یزید بن هارون در بصره تحصیل کرد.
۱۳. **حمایت مالی خلفا:** خلفای عباسی از علما با اهدای زمین و حقوق حمایت میکردند. منابع قرن سوم هجری از سیاست‌های مالی مأمون عباسی سخن می‌گویند. مانند محمود بن خدّاش طالقانی تحت حمایت مأمون عباسی قرار گرفت.
۱۴. **دعوت به تدریس:** مدارس بزرگ از عالمان برجسته برای تدریس دعوت میکردند. منابع تاریخی از مکاتبات مدارس با علما خبر می‌دهند. مانند هشام بن سعید طالقانی به درخواست مدرسه بصره به آنجا رفت.
۱۵. **تکمیل سلسله اسناد حدیثی:** علما برای دریافت احادیث با سند کوتاه‌تر به شهرهای دور سفر میکردند. منابع رجالی از تلاش علما برای تقویت اسناد خبر می‌دهند. مانند یوسف جوزجانی برای تقویت اسناد روایی به بغداد رفت.

16. تأثیر شخصیت های کاریزماتیک: استادان بزرگ مانند سفیان ثوری، شاگردان را به مهاجرت تشویق میکردند. منابع تاریخی از تأثیر ثوری بر شاگردانش خبر میدهند. شاگردان سفیان ثوری پس از مهاجرت او به شام، به دنبالش رفتند. مهاجرت علمای این سه منطقه (طالقان، فاریاب و جوزجان)، اگرچه ریشه در عوامل مشترکی مانند ناامنی، فقر، و جاذبه های علمی داشت، اما با توجه به شرایط خاص هر منطقه، تفاوت های نیز نشان میداد. و این مهاجرت ها نه تنها نشاندهنده پویایی جامعه علمی جهان اسلام بود، بلکه به انتقال دانش و تمدن اسلامی به نقاط مختلف کمک کرد. و مهاجرت علما از این مناطق، اگرچه باعث انتقال دانش و تمدن اسلامی شد، اما به تدریج جایگاه علمی زادگاه هایشان را تضعیف کرد.

مطلب دوم: پیامد مهاجرت علمای حدیث و فقه

مهاجرت علما از این سه منطقه (طالقان، فاریاب و جوزجان)، پیامد های مختلف داشتند، که در این مطلب پیامدهای مثبت و منفی را مختصر ذکر می کنم:

۱. گسترش جغرافیایی میراث حدیثی و فقهی: مهاجرت علما باعث انتقال دانش بومی این مناطق به مراکزی مانند بغداد، نیشابور، مصر و اندلس شد.

- طالقان: ابراهیم بن اسحاق طالقانی بیش از ۱۰۰ حدیث در «سنن ترمذی» نقل کرد.

- فاریاب: مسلم فاریابی روایات خود را در «صحیح بخاری» ثبت نمود.

- جوزجان: منهج الدین جوزجانی در هند کتاب «طبقات ناصری» را تألیف کرد.

۲. تقویت پیوندهای علمی بین مناطق: علما با ایجاد شبکه های حدیثی و فقهی، ارتباط بین خراسان، عراق، شام و هند را تقویت کردند.

- طالقان: محمود بن خدش طالقانی در بغداد حلقه های درسی ایجاد کرد.

- فاریاب: جعفر فاریابی با سفیان ثوری در کوفه همکاری نمود.

- جوزجان: ابوالجهم جوزجانی در کوفه شبکه دیاسپورای تشکیل داد.

۳. تضعیف جایگاه علمی زادگاه ها: خروج نخبگان، مراکز علمی محلی را از استادان برجسته محروم ساخت.

- طالقان: کاهش رونق مدارس پس از مهاجرت محمد بن محمد طالقانی.

- فاریاب: ناشناخته ماندن کتاب های ابراهیم فاریابی در زادگاهش.

- جوزجان: تبدیل جوزجان به «صادرکننده نیروی انسانی» پس از مهاجرت منهج الدین.

۴. انتقال دانش محلی به مراکز بزرگ: ثبت روایات مناطق محلی در جوامع حدیثی معتبر، میراث علمی آنها را جاودانه کرد.

- طالقان: احادیث الهیثم بن ایوب در «سنن نسائی» ثبت شد.

- فاریاب: روایات داود فاریابی در «مسند احمد» جای گرفت.

- جوزجان: روایات ابراهیم بن ایوب در «تاریخ دمشق» ذکر شد.

۵. ایجاد مکاتب فکری ترکیبی: تلفیق آموزه های محلی با مکاتب مراکز بزرگ، جریان های فکری جدیدی پدید آورد.

- طالقان: محمد بن محمد طالقانی تصوف طالقان را با عرفان بغداد ترکیب کرد.
- فاریاب: جعفر فاریابی فقه حنفی را با روش های نیشابور تلفیق نمود.
- جوزجان: منهج الدین جوزجانی فقه حنفی را در هند با فرهنگ محلی ادغام کرد.
- 6. **گسست نسلی در آموزش:** مهاجرت استادان، انتقال دانش شفاهی و تربیت شاگردان محلی را مختل کرد.
- طالقان: مرگ زودرس هشام بن سعید طالقانی باعث ناتوانی در پرورش نسل جدید شد.
- فاریاب: طلاب فاریاب برای تحصیل به نیشابور مهاجرت کردند.
- جوزجان: پس از مهاجرت ابوعبدالرحیم جوزجانی، مدرسی همپایه او پرورش نیافت.
- 7. **تقویت مذاهب فقهی:** مهاجران در گسترش مذاهبی مانند حنفی، شافعی و حنبلی نقش کلیدی داشتند.
- طالقان: سعید بن یعقوب طالقانی به گسترش فقه حنبلی کمک کرد.
- فاریاب: محمد بن عقیل فاریابی فقه شافعی را در مصر تثبیت نمود.
- جوزجان: ابوعبدالرحیم جوزجانی فقه حنفی را در نیشابور تقویت کرد.
- 8. **مشکلات ثبت و حفظ میراث علمی:** پراکندگی جغرافیای فعالیت مهاجران، ثبت دقیق آثارشان را دشوار ساخت.
- طالقان: آثار عبدالرحمن بن علی طالقانی در منابع محلی ثبت نشد.
- فاریاب: کتابهای موسی فاریابی تنها در منابع غیرمحلی ذکر شدند.
- جوزجان: اطلاعات کمی از سالهای اقامت ابوجاء جوزجانی در زادگاهش وجود دارد.
- 9. **فرصتهای جدید در مراکز بزرگ:** مهاجران در تربیت نسل جدید دانشمندان و تأسیس مدارس نقش داشتند.
- طالقان: احمد بن احمد طالقانی در تربیت دارقطنی مشارکت کرد.
- فاریاب: داوود فاریابی شاگردانی مانند ابوداود سجستانی را پرورش داد.
- جوزجان: منهج الدین جوزجانی در هند مدرسه فقهی تأسیس کرد.
- 10. **وابستگی علمی زادگاه ها به مراکز دور:** مناطق محلی برای ادامه تحصیل به مراکزی مانند بغداد و نیشابور وابسته شدند.

- طالقان: طلاب طالقان برای تحصیل به دمشق مهاجرت کردند.
- فاریاب: دانشجویان فاریاب به نیشابور رفتند.
- جوزجان: جوانان جوزجان برای یادگیری فقه به بغداد سفر کردند.
- 11. **گسست نسل های علمی:** کاهش استادان باتجربه، انتقال دانش شفاهی را مختل کرد.
- طالقان: مهاجرت دائمی علما مانع تربیت شاگردان محلی شد.
- فاریاب: کاهش چهره های علمی پس از مهاجرت جعفر فاریابی.
- جوزجان: ناتوانی در پرورش مدرسان پس از ابوعبدالرحیم جوزجانی.

12. کاهش نقش زنان در آموزش: مهاجرت مردان به عنوان ناناوران علمی، مشارکت زنان را محدود کرد. مانند خدیجه جوزجانی به عنوان فقیه زن در خارج از زادگاه فعالیت کرد.

این پیامدها نشان میدهند مهاجرت علمای خراسان بزرگ، چرخه ای از فرصت ها (انتقال دانش، تعامل فرهنگی) و تهدیدها (تضعیف زادگاه ها، وابستگی علمی) را ایجاد کرد. در حالی که جهان اسلام از دانش این علما بهره برد، مناطق طالقان، فاریاب و جوزجان به تدریج جایگاه علمی خود را از دست دادند.

مطلب سوم: راه حل مهاجرت علمای حدیث و فقه

مهاجرت علما از این سه منطقه (طالقان، فاریاب و جوزجان)، راه حل های مختلف داشتند، که در این مطلب راه حل های مختصر ذکر می کنم:

۱. احیای زیرساختهای آموزشی و علمی: تأسیس مدارس و مراکز علمی محلی، ایجاد کرسی های تخصصی فقه و حدیث برای جذب دانشجویان. و دعوت از اساتید نامدار خارجی برای تدریس.

۲. تأسیس مراکز پژوهشی تخصصی: راه اندازی «مرکز مطالعات طالقان/فاریاب/جوزجان» با حمایت دولتها و نهادهای بین المللی. و ایجاد موزه های میراث علمی برای نمایش نسخ خطی و آثار تاریخی.

3. نقد و پالایش میراث حدیثی و بررسی انتقادی روایات: تشکیل کمیته های تخصصی برای تحلیل احادیث ضعیف یا جعلی. و آموزش روشهای تشخیص حدیث جعلی به طلاب بر اساس منابع معتبر.

4. حذف احادیث ضعیف از متون درسی: همکاری با مراکز تحقیقاتی برای پالایش منابع آموزشی.

5. تقویت هویت علمی و تاریخی و تدوین دانشنامه های تخصصی: تألیف کتاب های مانند «مشاهیر طالقان/فاریاب/جوزجان» با استناد به منابع تاریخی. نگارش کتاب های دفاعیه برای بررسی منصفانه زندگی راویان.

6. بازسازی شبکه های علمی: ایجاد ارتباط بین علمای مهاجر و مراکز داخلی برای تبادل منابع.

7. همکاری های ملی و بین المللی و تبادل استادان و پژوهشگران: برگزاری کارگاه های آموزشی با حضور فقها و محدثان معاصر. و اعطای بورسیه به دانشجویان با شرط بازگشت به زادگاه.

8. ثبات سیاسی و امنیتی: همکاری با حکومتها برای تأمین امنیت مراکز علمی.

9. توسعه روشهای پژوهشی و بررسی تطبیقی منابع و حل اختلافات هویتی راویان با مقایسه منابع رجالی.

10. توجه به نسل جوان و برنامه های جذب نوجوانان: برگزاری مسابقات قرآنی، حدیث خوانی و تاریخنگاری.

11. حمایت از پژوهش های دانش آموزی: تأسیس انجمن های جوانان محقق با حمایت دولتی.

12. حمایت روانی از مهاجران بازگشته: تأسیس مراکز مشاوره برای کاهش شوک فرهنگی.

13. بازتعریف نقش زنان و احیای نقش محدثات: پژوهش درباره زنان راوی حدیث و معرفی آنها در متون درسی.

این راه حل ها با ترکیبی از حمایت داخلی (اقتصادی، آموزشی، امنیتی) و ارتباط بیرونی (شبکه سازی، فناوری) طراحی شده اند. موفقیت آنها نیازمند همکاری سه جانبه می باشد:

۱. حاکمان محلی (تأمین امنیت و منابع)،

۲. نهادهای علمی (طراحی برنامه های آموزشی)،

۳. مردم (حفظ هویت فرهنگی و مشارکت فعال).

نتیجه گیری

مهاجرت علمای مناطق طالقان، فاریاب و جوزجان در سده های نخستین اسلامی، رویدادی چندوجهی بود که از تلاقی عوامل گوناگون داخلی و خارجی سرچشمه می گرفت. ناامنی های سیاسی، ضعف زیرساخت های آموزشی، فقر اقتصادی، و جذابیت مراکز علمی بزرگتر مانند بغداد و نیشابور، در کنار حمایت حکومت ها و شبکه های فرمانطقه ای، انگیزه ای قوی برای کوچ این نخبگان فراهم می کرد. این پدیده، اگرچه به گسترش دانش اسلامی در سراسر جهان اسلام انجامید و میراث حدیثی و فقهی این مناطق را در جوامع معتبری چون «صحيح بخاری» و «مسند احمد» جاودانه ساخت، اما به تدریج هویت علمی زادگاه های آنان را تحت الشعاع قرار داد. مهاجرت، همچون تیغی دو لبه، هم فرصت های برای پیشرفت فردی و جمعی آفرید و هم چالش هایی عمیق برای بقای مراکز علمی محلی ایجاد کرد.

نمایندگان این جنبش علمی، مانند ابوالسحاق طالقانی، جعفر بن محمد فاریابی و محدثان جوزجانی، با حضور در حلقه های درس استادان بزرگی چون سفیان ثوری و امام بخاری، نه تنها به انتقال دانش کمک کردند، بلکه پیوندهای فرهنگی بین خراسان، عراق، شام و حتی اندلس و هند را تقویت نمودند. این تعاملات، زمینه ساز تولد مکاتب فکری ترکیبی شد؛ برای نمونه، تأثیر احمد بن حنبل بر شاگردان طالقانی یا نهادینه شدن مکتب شافعی در مصر توسط محمد بن عقیل فاریابی. با این حال، خروج نخبگان از زادگاه های خود، مدارس محلی را از استادان برجسته تهی کرد، وابستگی علمی این مناطق به مراکز خارجی را افزایش داد و گسست نسلی در انتقال دانش را به دنبال داشت. برخی مهاجران نیز، با اقداماتی مانند جعل احادیث یا همکاری با جریان های انحرافی، به اعتبار زادگاه خود آسیب زدند، چنان که انتقاداتی از سوی اندیشمندانی مانند خطیب بغدادی به برخی روایات طالقانی ها وارد شد.

تجربه این مناطق نشان می دهد که مهاجرت نخبگان، ذاتاً ویرانگر نیست، بلکه مدیریت نادرست آن است که به تضعیف هویت علمی می انجامد. درس های تاریخ حاکی از آن است که توازن بین «گسترش دانش» و «حفظ هویت محلی» تنها از طریق راه حل های هوشمندانه ممکن می شود. الگوهایی مانند الهیثم بن ایوب طالقانی که پس از تحصیل در مراکز علمی به زادگاه خود بازگشت و به بازسازی مدارس محلی پرداخت، یا داوود بن مخراق فاریابی که با تأثیرگذاری بر فقه حنفی، هویت جمعی منطقه اش را تقویت کرد، گواهی بر این ادعا هستند. از سوی دیگر، ثبت هویت جغرافیایی در اسناد حدیثی توسط راویانی مانند ابراهیم بن مخلد طالقانی، نه تنها به اعتبار روایات افزود، بلکه نام این مناطق را در حافظه تاریخی جهان اسلام زنده نگه داشت.

در پایان، باید پذیرفت که مهاجرت، بخشی جدایی ناپذیر از پویایی تمدن هاست، اما آینده این مناطق در گرو آن است که مهاجرت را نه به عنوان «اجبار» که به مثابه «انتخابی آگاهانه» بازتعریف کنند. تجربه تاریخی طالقان، فاریاب و جوزجان به ما می آموزد که احیای هویت علمی، به معنای بازگشت به گذشته نیست، بلکه ساختن آینده ای است که در آن، دانش قدیم با ابزارهای نوین درهم می آمیزد و مهاجران، نه به عنوان فراریان از زادگاه، بلکه به عنوان پُل هایی بین مراکز علمی جهان عمل

می کنند. این چشمانداز، تنها با همکاری سه گانه حکومت ها، نهادهای علمی و مردم محقق می شود؛ همان گونه که روزی نیشابور با حمایت طاهریان به قطب علمی جهان اسلام تبدیل شد.

پیشنهادهای

۱. تقویت زیرساخت های علمی محلی

الف - احداث مدارس و مراکز پژوهشی: تأسیس «دانشگاه محلی» در هر منطقه (مانند دانشگاه طالقان، فاریاب یا جوزجان) با رشته های تخصصی در مطالعات اسلامی، تاریخ و میراث فرهنگی. اگر مدارس مشابه دارالعلم جوزجان یا مکتب طالقان احیا شوند، نیاز به مهاجرت برای تحصیل کاهش می یابد.

ب - حمایت مالی از علما: اختصاص موقوفات علمی، حقوق ماهانه و بورسیه های پژوهشی به دانشمندان بومی برای جلوگیری از مهاجرت اجباری. اگر به هشام بن سعید طالقانی یا احمد بن عبدالله فاریابی حمایت مالی می شد، در زادگاه می ماندند.

2. شبکه سازی و تبادل علمی

الف - برگزاری کنفرانس ها و سمینارها: تشکیل کنفرانس سالانه با حضور پژوهشگران بین المللی و نهادهایی مانند الازهر یا دانشگاه های اسلامی (مثال: کنفرانس «جوزجان؛ پل فرهنگی جاده ابریشم»).

ب - تشویق بازگشت نخبگان: اعطای مشوق های عملی مانند اهدای زمین، مناصب مدیریتی یا معافیت های مالیاتی به دانشمندان مهاجر برای بازگشت. و برنامه «بازگشت الهیثم بن ایوب» در طالقان می تواند الگویی برای دیگر مناطق باشد.

3. آموزش و توانمندسازی نسل جدید

- آموزش روش های نقد حدیث با استفاده از منابعی مانند «الموضوعات» ابن جوزی یا «الضعفاء» ابن عدی برای مقابله با احادیث جعلی.

- اعزام دانشجویان به مراکز علمی بزرگ به شرط بازگشت و تدریس در زادگاه.

4. همکاری های بین المللی و دولتی

- ثبت میراث این مناطق در فهرست یونسکو با کمک سازمان هایی مانند «مؤسسه نسخ خطی اسلامی».

- جلب حمایت مالی از نهادهایی مانند بانک جهانی یا اتحادیه اروپا برای پروژه های احیای زیرساخت ها.

- تأسیس «مرکز مطالعات فاریاب» یا «مرکز پژوهش های طالقان» با بودجه دولتی و مشارکت دانشگاه های معتبر.

- تصویب قوانین برای تأمین امنیت جانی و مالی علما در مناطق محروم.

5. تبلیغات و آگاهی رسانی عمومی

- ایجاد کمپین های مجازی با هشتگ هایی مانند احیای طالقان یا فاریاب فراموش شده برای جذب توجه جهانی.

- تولید مستندهای داستانی درباره زندگی مهاجران (مثال: فیلمی بر پایه سفرنامه «طبقات ناصری» منهج الدین

جوزجانی).

- برگزاری مسابقات مقاله نویسی، عکاسی یا هنرهای سنتی با موضوع میراث این مناطق.

- آموزش هنرهایی مانند خوشنویسی و تذهیب به نسل جوان برای بازتولید نسخ خطی.

این پیشنهادات نشان می‌دهد که احیای هویت علمی مناطق طالقان، فاریاب و جوزجان، نیازمند ترکیبی از نقد تاریخی، فناوری مدرن، حمایت دولتی و مشارکت مردمی است. هر یک از این راهکارها — از دیجیتال سازی نسخ خطی تا برگزاری کنفرانس‌های بین‌المللی — می‌تواند حلقه‌ای از زنجیره احیای این میراث باشد. موفقیت در گرو آن است که مهاجرت را نه به عنوان «تهدید»، بلکه به مثابه فرصتی برای تعامل جهانی بازتعریف کنیم؛ همان‌گونه که روزی نیشابور با مدیریت هوشمندانه، به قطب علمی جهان اسلام تبدیل شد. خوانندگان می‌توانند با توجه به تخصص خود — اعم از معلم، برنامه‌نویس، مورخ یا سیاست‌گذار — در این مسیر سهیم شوند.

فهرست منابع

- 1- ابن أبي حاتم، عبد الرحمن بن محمد بن إدريس بن المنذر أبو محمد، التميمي، الحنظلي، الرازي. (1952 م). الجرح والتعديل. بيروت: دار إحياء التراث العربي.
- 2- ابن الجوزي، عبد الرحمن بن علي بن محمد أبو الفرج، جمال الدين. (1981 م). العلل المتناهية في الأحاديث الواهية. فيصل آباد، باكستان: إدارة العلوم الأثرية.
- 3- ابن المقرئ، محمد بن إبراهيم بن علي بن عاصم بن زاذان أبو بكر، الأصبهاني الخازن. (1998 م). المعجم لابن المقرئ. الرياض: شركة الرياض للنشر والتوزيع.
- 4- ابن الملقن، عمر بن علي بن أحمد أبو حفص، سراج الدين. (1994). طبقات الأولياء. القاهرة: مكتبة الخانجي.
- 5- ابن بطة العكبري، عبيد الله بن محمد بن محمد بن حمدان أبو عبد الله. (1418 هـ). الإبانة عن شريعة الفرقة الناجية ومجانبة الفرق المذمومة. الرياض-السعودية: دار الراية للنشر.
- 6- ابن جرير الطبري، محمد بن جرير بن يزيد بن كثير بن غالب أبو جعفر، الأملي. (1387). تاريخ الطبري (تاريخ الرسل والملوك). بيروت: دار التراث.
- 7- ابن جرير الطبري، محمد بن جرير بن يزيد بن كثير بن غالب أبو جعفر، الأملي. (2000 م). جامع البيان في تأويل القرآن. بيروت: مؤسسة الرسالة.
- 8- ابن حبان البستي، محمد بن حبان بن أحمد بن حبان بن معاذ بن مَعْبَدَ أبو حاتم، التميمي، الدارمي. (1973). الثقات. حيدر آباد الدكن الهند: دائرة المعارف العثمانية.
- 9- ابن حجر العسقلاني، أحمد بن علي بن محمد بن أحمد أبو الفضل. (1326 هـ). تهذيب التهذيب. الهند: مطبعة دائرة المعارف النظامية.
- 10- ابن حجر العسقلاني، أحمد بن علي بن محمد بن أحمد أبو الفضل. (1971 م). لسان الميزان. بيروت - لبنان: مؤسسة الأعلمي للمطبوعات.
- 11- ابن حجر العسقلاني، أحمد بن علي بن محمد بن أحمد أبو الفضل. (1986). تقريب التهذيب. سوريا: دار الرشيد.

- 12- ابن حجر العسقلاني، أحمد بن علي بن محمد بن أحمد أبو الفضل. (1989م). نزهة الألباب في الألقاب (الإصدار 2). الرياض: مكتبة الرشد.
- 13- ابن حوقل، محمد بن حوقل أبو القاسم، البغدادي الموصل. (1938). صورة الأرض. بيروت: دار صادر، أفست ليدن.
- 14- ابن خلكان، أحمد بن محمد بن إبراهيم بن أبي بكر أبو العباس شمس الدين البرمكي الإربلي. (1994). وفيات الأعيان وأنباء أبناء الزمان. بيروت: دار صادر.
- 15- ابن شاهين، عمر بن أحمد بن عثمان بن أحمد بن محمد بن أيوب أبو حفص. (2004). الترغيب في فضائل الأعمال. بيروت - لبنان: دار الكتب العلمية.
- 16- ابن عبد البر، يوسف بن عبد الله بن محمد أبو عمر، النمري القرطبي. (1992م). الاستيعاب في معرفة الأصحاب. بيروت: دار الجيل.
- 17- ابن عبد البر، يوسف بن عبد الله بن محمد أبو عمر، النمري، القرطبي. (1387 هـ). التمهيد لما في الموطأ من المعاني والأسانيد. المغرب: وزارة عموم الأوقاف والشؤون الإسلامية.
- 18- ابن عدي، عبد الله بن عدي بن عبد الله بن محمد ابن مبارك أبو أحمد، الجرجاني. (1997م). الكامل في ضعفاء الرجال. بيروت-لبنان: الكتب العلمية.
- 19- ابن عساكر، علي بن الحسن بن هبة الله أبو القاسم. (1995م). تاريخ دمشق. بيروت: دار الفكر للطباعة والنشر والتوزيع.
- 20- ابن فضالة، عبد الرحمن بن محمد بن أحمد الرافضي. (2004). فوائد أبي علي بن فضالة. الموقع الشبكة الإسلامية: مخطوط نُشر في برنامج جوامع الكلم المجاني.
- 21- ابن ماكولا، علي بن هبة الله بن جعفر أبو نصر، سعد الملك. (1990م). الإكمال في رفع الارتباب عن المؤلف والمختلف في الأسماء والكنى والأنساب. بيروت-لبنان: دار الكتب العلمية.
- 22- ابن مَنَدَه، محمد بن إسحاق بن محمد بن يحيى أبو عبد الله، العبدى. (2005). معرفة الصحابة. الإمارات العربية المتحدة: مطبوعات جامعة الإمارات العربية المتحدة.
- 23- ابن مَنَدَه، محمد بن إسحاق بن محمد بن يحيى أبو عبد الله، العبدى. (1406). الإيمان. بيروت: مؤسسة الرسالة.
- 24- ابن مَنَدَه، محمد بن إسحاق بن محمد بن يحيى أبو عبد الله، العبدى. (1996). فتح الباب في الكنى والألقاب. السعودية - الرياض: مكتبة الكوثر.
- 25- ابن منظور، محمد بن مكرم بن علي أبو الفضل، جمال الدين، الانصاري الرويفعى الإفريقى. (1984م). مختصر تاريخ دمشق. دمشق - سوريا: دار الفكر للطباعة والتوزيع والنشر.
- 26- ابن نقطة، محمد بن عبد الغنى بن أبي بكر بن شجاع أبو بكر، معين الدين، الحنبلي البغدادي. (1410). إكمال الإكمال. مكة المكرمة: جامعة أم القرى.
- 27- أبو العرب، محمد بن أحمد بن تميم التميمي المغربي الإفريقى. (1984م). المحن. الرياض - السعودية: دار العلوم.

- 28- ابو زرعة الرازي، عبيد الله بن عبد الكريم. (1420). الضعفاء. قاهره: دار الريان.
- 29- أبو نعيم الأصبهاني، أحمد بن عبد الله بن أحمد بن إسحاق بن موسى بن مهران. (1974م). حلية الأولياء وطبقات الأصفياء. قاهرة: السعادة - بجوار محافظة مصر.
- 30- أبو نعيم الأصبهاني، أحمد بن عبد الله بن أحمد بن إسحاق بن موسى بن مهران. (1996م). المسند المستخرج على صحيح الإمام مسلم. بيروت - لبنان: دار الكتب العلمية.
- 31- أبو نعيم الأصبهاني، أحمد بن عبد الله بن أحمد بن إسحاق بن موسى بن مهران. (2006 م). الطب النبوي. بيروت: دار ابن حزم.
- 32- أبو نعيم الأصبهاني، أحمد بن عبد الله بن أحمد بن إسحاق بن موسى بن مهران. (1998). معرفة الصحابة. الرياض: دار الوطن للنشر.
- 33- أبو نعيم الأصبهاني، أحمد بن عبد الله بن أحمد بن إسحاق بن موسى بن مهران. (1415). مسند الإمام أبي حنيفة. الرياض، عربستان: مكتبة الكوثر.
- 34- الآجري، محمد بن الحسين بن عبد الله أبو بكر. (1999 م). الشريعة. الرياض / السعودية: دار الوطن.
- 35- الأسمرى، صالح بن محمد بن حسن أبو محمد، آل عمير، القحطاني. (2000). مجموعة الفوائد البهية على منظومة القواعد الفقهية. المملكة العربية السعودية: دار الصميعي للنشر والتوزيع.
- 36- الأصبهاني، عبد الله بن محمد بن جعفر بن حيان أبو محمد، الأنصاري أبو الشيخ. (1408). العظمة. الرياض: دار العاصمة.
- 37- الألباني، محمد ناصر الدين بن الحاج نوح. (1992). سلسلة الأحاديث الضعيفة والموضوعة. الرياض - المملكة العربية السعودية: مكتبة المعارف.
- 38- بخشل الواسطي، أسلم بن سهل بن أسلم بن حبيب أبو الحسن. (1406). تاريخ واسط. بيروت: عالم الكتب.
- 39- البخاري، محمد بن إسماعيل بن إبراهيم بن المغيرة أبو عبد الله. (1400). التاريخ الكبير. حيدر آباد - الدكن - الهند: دائرة المعارف العثمانية.
- 40- البستي، حمد بن محمد بن إبراهيم بن الخطاب أبو سليمان، الخطابي. (1932 م). معالم السنن. حلب - سوريا: المطبعة العلمية.
- 41- البغوي، الحسين بن مسعود بن محمد بن الفراء أبو محمد، محيي السنة. (1420). معالم التنزيل في تفسير القرآن. بيروت: دار إحياء التراث العربي.
- 42- البغوي، الحسين بن مسعود بن محمد بن الفراء أبو محمد، محيي السنة. (1983م). شرح السنة. بيروت: المكتب الإسلامي.
- 43- البغوي، عبد الله بن محمد بن عبد العزيز بن المرزبان أبو القاسم. (1988 م). تاريخ وفاة الشيوخ الذين أدرکهم البغوي. بومباي - الهند: الدار السلفية.

- 44- البيهقي، أحمد بن الحسين بن علي بن موسى أبو بكر، الخُسْرُو جَرْدِي الخراساني. (2003 م). شعب الإيمان. بومباي/ الهند: الدار السلفية.
- 45- الجرجاني، حمزة بن يوسف بن إبراهيم أبو القاسم، السهمي القرشي. (1987). تاريخ جرجان. بيروت: عالم الكتب.
- 46- حاجي خليفة، مصطفى بن عبد الله كاتب جليبي القسطنطيني. (1941 م). كشف الظنون عن أسامي الكتب والفنون. بغداد: مكتبة المثنى.
- 47- الحاكم، محمد بن عبد الله بن محمد بن حمدويه بن نُعيم أبو عبد الله، الضبي الطهماني، النيسابوري. (1990). المستدرک علی الصحيحين. بيروت: دار الكتب العلمية.
- 48- الحسيني، محمد بن علي بن الحسن بن حمزة أبو المحاسن، شمس الدين. (1990). الإكمال في ذكر من له رواية في مسند الإمام أحمد من الرجال. كراتشي - باكستان: منشورات جامعة الدراسات الإسلامية.
- 49- الحموي، ياقوت بن عبد الله أبو عبد الله، شهاب الدين. (1995 م). معجم البلدان. بيروت: دار صادر.
- 50- الخرائطي، محمد بن جعفر بن محمد بن سهل بن شاکر أبو بكر، السامري. (1993 م). مساوئ الأخلاق ومذمومها. جدة: مكتبة السوادي للتوزيع.
- 51- الخرائطي، محمد بن جعفر بن محمد بن سهل بن شاکر أبو بكر، السامري. (2000 م). اعتلال القلوب. مكة المكرمة: نزار مصطفى الباز.
- 52- الخطيب البغدادي، أحمد بن علي بن ثابت أبو بكر. (1997). المتفق والمفترق. دمشق: دار القادري للطباعة والنشر والتوزيع.
- 53- الخطيب البغدادي، أحمد بن علي بن ثابت بن أحمد بن مهدي أبو بكر. (1417 هـ). تاريخ بغداد. بيروت: دار الكتب العلمية.
- 54- الخطيب البغدادي، أحمد بن علي بن ثابت بن أحمد بن مهدي أبو بكر. (1985). تلخيص المتشابه في الرسم. دمشق: طلاس للدراسات والترجمة والنشر.
- 55- الخطيب البغدادي، أحمد بن علي بن ثابت بن أحمد بن مهدي أبو بكر. (1990). الجامع لأخلاق الراوي وآداب السامع. الرياض: مكتبة المعارف.
- 56- الخطيب البغدادي، أحمد بن علي بن ثابت بن أحمد بن مهدي أبو بكر. (1997 م). الأسماء المبهمة في الأنباء المحكمة. القاهرة / مصر: مكتبة الخانجي.
- 57- الدارقطني، علي بن عمر بن أحمد بن مهدي بن مسعود بن النعمان أبو الحسن، البغدادي. (2004). سنن الدارقطني. بيروت - لبنان: مؤسسة الرسالة.
- 58- الدارقطني، علي بن عمر بن أحمد بن مهدي بن مسعود بن النعمان أبو الحسن، البغدادي. (1985). علل الدارقطني. الرياض: دار طيبة.

- 59- الداري، تقي الدين بن عبد القادر التميمي الغزي. (1998). الطبقات السنية في تراجم الحنفي (الإصدار 1). كراتشي، باكستان: مطبعة احمديار.
- 60- الذهبي، محمد بن أحمد بن عثمان بن قايماز أبو عبد الله، شمس الدين. (1992). الكاشف في معرفة من له رواية في الكتب الستة. مؤسسة علوم القرآن، جدة: دار القبله للثقافة الإسلامية .
- 61- الذهبي، محمد بن أحمد بن عثمان بن قايماز أبو عبد الله، شمس الدين. (1963 م). ميزان الاعتدال في نقد الرجال. بيروت - لبنان: دار المعرفة للطباعة والنشر.
- 62- الذهبي، محمد بن أحمد بن عثمان بن قايماز أبو عبد الله، شمس الدين. (2003 م). تاريخ الإسلام ووفيات المشاهير والأعلام. بيروت: دار الغرب الإسلامي.
- 63- الذهبي، محمد بن أحمد بن عثمان بن قايماز أبو عبد الله، شمس الدين. (2006 م). سير أعلام النبلاء. القاهرة: دار الحديث.
- 64- الذهبي، محمد بن أحمد بن عثمان بن قايماز شمس الدين أبو عبد الله. (1998 م). تذكرة الحفاظ. بيروت: دار الكتب العلمية.
- 65- الرافعي، القزويني، عبد الكريم بن محمد بن عبد الكريم أبو القاسم. (1987 م). التدوين في أخبار قزوين. بيروت: دار الكتب العلمية.
- 66- الزيلعي، عثمان بن علي بن محجن البارعي، فخر الدين الحنفي. (1313). تبين الحقائق شرح كنز الدقائق. بولاق، القاهرة: المطبعة الكبرى الأميرية.
- 67- سبط ابن العجمي، إبراهيم بن محمد بن خليل برهان الدين ، أبو الوفا، الطرابلسي، الحلبي. (1987). الكشف الحثيث عن رمي بوضع الحديث. بيروت: عالم الكتب , مكتبة النهضة العربية.
- 68- السبكي، عبد الوهاب بن تقي الدين تاج الدين. (1413 هـ). طبقات الشافعية الكبرى. المدينة المنورة: هجر للطباعة والنشر والتوزيع.
- 69- السُّجِسْتَانِي، سليمان بن الأشعث بن إسحاق بن بشير بن شداد بن عمرو أبو داود، الأزدي. (1404). سنن أبي داود. صيدا، بيروت: المكتبة العصرية.
- 70- السخاوي، محمد بن عبد الرحمن بن محمد أبو الخير، شمس الدين. (1985). المقاصد الحسنة في بيان كثير من الأحاديث المشتهرة على الألسنة. بيروت: دار الكتاب العربي.
- 71- السقاف، علوي بن عبد القادر. (1433). موسوعة الفرق المنتسبة للإسلام. موقع الدرر السنية على الإنترنت.
- 72- السُّلْفِي، أحمد بن محمد بن أحمد بن محمد بن إبراهيم أبو طاهر، صدر الدين. (2004). الحادي والعشرون من المشيخة البغدادية لأبي طاهر السلفي. الموقع الشبكة الإسلامية: مخطوط نُشر في برنامج جوامع الكلم المجاني.
- 73- السمعاني، عبد الكريم بن محمد بن منصور أبو سعد، التميمي، المروزي. (1962 م). الأنساب. حيدر آباد، هند: مجلس دائرة المعارف العثمانية.

- 74- السمعاني، عبد الكريم بن محمد بن منصور التميمي المروزي، أبو سعد. (1975م). التحبير في المعجم الكبير. بغداد: رئاسة ديوان الأوقاف.
- 75- السيوطي، عبد الرحمن بن أبي بكر جلال الدين. (1996). اللآلئ المصنوعة في الأحاديث الموضوعة. بيروت: دار الكتب العلمية.
- 76- الشاطبي، إبراهيم بن موسى بن محمد اللخمي الغرناطي. (1992). الاعتصام. رياض، السعودية: دار ابن عفان.
- 77- الصريفيني. (1414). المنتخب من كتاب السياق لتاريخ نيسابور. مصطفى الشقيري، بيروت: دار الفكر للطباعة والنشر والتوزيع.
- 78- الضراب، الحسن بن إسماعيل بن محمد أبو محمد. (2003). عقلاء المجانين والموسوسين. بيروت: دار البشائر.
- 79- الطالبي، عبد الحي بن فخر الدين بن عبد العلي الحسني. (1999م). نزهة الخواطر وبهجة المسامع والنواظر. بيروت، لبنان: دار ابن حزم.
- 80- الطبراني، سليمان بن أحمد بن أيوب بن مطير أبو القاسم، اللخمي الشامي. (1403). المعجم الأوسط. القاهرة: دار الحرمين.
- 81- الطبراني، سليمان بن أحمد بن أيوب بن مطير أبو القاسم، اللخمي الشامي. (1413). الدعاء للطبران. بيروت: دار الكتب العلمية.
- 82- الطبراني، سليمان بن أحمد بن أيوب بن مطير أبو القاسم، اللخمي، الشامي. (1985). الروض الداني (المعجم الصغير). عمان: دار عمار.
- 83- العراقي، عبد الرحيم بن الحسين بن عبد الرحمن بن أبي بكر أبو الفضل زين الدين. (1995م). ذيل ميزان الاعتدال. بيروت: دار الكتب العلمية.
- 84- العطار، محمد بن مخلد بن حفص أبو عبد الله، الدوري، البغدادي. (2004). منتقى حديث أبي عبد الله محمد بن مخلد. الرياض: جامعة الرياض.
- 85- العقيلي، محمد بن عمرو بن موسى بن حماد أبو جعفر. (1984م). الضعفاء الكبير. بيروت: دار المكتبة العلمية.
- 86- الفالوجي، أكرم بن محمد زيادة الأثري. (1405). المعجم الصغير لرواة الإمام ابن جرير الطبري. الاردن: الدار الأثرية.
- 87- الفالوجي، أكرم بن محمد زيادة الأثري. (2005). معجم شيوخ الطبري. القاهرة: دار ابن عفان.
- 88- القرطبي، سليمان بن خلف بن سعد بن أيوب بن وارث أبو الوليد، التجيبي الباجي الأندلسي. (1986). التعديل والتجريح، لمن خرج له البخاري في الجامع الصحيح. الرياض: دار اللواء للنشر والتوزيع.
- 89- القزويني، خليل بن عبد الله بن أحمد بن إبراهيم بن الخليل أبو يعلى، الخليلي. (1409). الإرشاد في معرفة علماء الحديث. الرياض: مكتبة الرشد.
- 90- القضاعي، محمد بن سلامة بن جعفر بن علي بن حكيمون أبو عبد الله. (1986). مسند الشهاب. بيروت: مؤسسة الرسالة.

- 91- قُطْلُوبَعَا، قاسم بن قُطْلُوبَعَا أبو الفداء زين الدين. (2011). الثقات ممن لم يقع في الكتب الستة . صنعاء، اليمن: مركز النعمان للبحوث والدراسات الإسلامية وتحقيق التراث والترجمة .
- 92- قوام السنة، إسماعيل بن محمد بن الفضل ابو القاسم، الجوزي الأصبهاني. (1993). الترغيب والترهيب. القاهرة: دار الحديث.
- 93- قوام السنة، إسماعيل بن محمد بن الفضل بن علي أبو القاسم، الطليحي الأصبهاني. (1993). سير السلف الصالح. الرياض: دار الراجية للنشر والتوزيع.
- 94- الكلاعي، سليمان بن موسى بن سالم بن حسان أبو الربيع، الحميري. (1990). المسلسلات من الأحاديث والآثار. بيروت: دار ابن حزم.
- 95- محيي الدين الحنفي، عبد القادر بن محمد بن نصر الله أبو محمد، القرشي محيي الدين الحنفي. (1992). الجواهر المضية في طبقات الحنفية. كراتشي، باكستان: مير محمد كتب خانه.
- 96- المزي، يوسف بن عبد الرحمن بن يوسف أبو الحجاج، جمال الدين ابن الزكي القضاعي. (1980). تهذيب الكمال في أسماء الرجال. بيروت: مؤسسة الرسالة.
- 97- المقدسي، محمد بن عبد الواحد أبو عبد الله، ضياء الدين. (1995). المنتقى من مسموعات مرو. بيروت: أحمد الخصري.
- 98- المقدسي، محمد بن عبد الواحد أبو عبد الله، ضياء الدين. (2000). المستخرج من الأحاديث المختارة مما لم يخرج البخاري ومسلم في صحيحيهما. بيروت: دار خضر للطباعة والنشر والتوزيع.
- 99- المناوي، عبد الرؤوف بن تاج العارفين بن علي بن زين العابدين زين الدين محمد. (1356). فيض القدير شرح الجامع الصغير. مصر: المكتبة التجارية الكبرى.
- 100- النسائي، أحمد بن شعيب بن علي أبو عبد الرحمن. (1396هـ). الضعفاء والمتروكون. حلب - سوريا: دار الوعي.
- 101- النقاش، محمد بن علي بن عمر بن مهدي أبو سعيد، الأصبهاني الحنبلي. (2004). ثلاثة مجالس من أمالي أبي سعيد النقاش. الموقع الشبكة الإسلامية: مخطوط نُشر في برنامج جوامع الكلم المجاني.
- 102- النويري، أحمد بن عبد الوهاب بن محمد بن عبد الدائم شهاب الدين، القرشي التيمي البكري. (1423). نهاية الأرب في فنون الأدب. القاهرة: دار الكتب والوثائق القومية.
- 103- الهاشمي، سعدي بن مهدي. (1982م). أبو زرعة الرازي وجهوده في السنة النبوية. الرسالة العلمية: عمادة البحث العلمي بالجامعة الإسلامية، المدينة النبوية، المملكة العربية السعودية.
- 104- الهروي، عبد الله بن محمد بن علي أبو إسماعيل، الأنصاري. (1998م). ذم الكلام وأهله. المدينة المنورة: مكتبة العلوم والحكم.